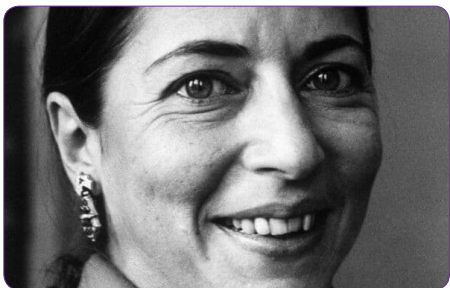


وکیل جوان گمنامی که توانست جهان را تغییر دهد

چگونه روث بیدر گینزبرگ موانع سر راه برابری زنان را

به تدریج برداشت A

رژیم ایران؛ پشتیبان تروریسم

اگر جمهوری اسلامی ایران فکر می‌کند با حمایت از تروریسم می‌تواند دیگران را نیش بزند،

زهر این نیش به چشم خودش هم خواهد رفت

۲



اصطلاح «طرف‌های جنگ» منصفانه نیست!

کاربرد این اصطلاح بیانگر تناقض شدید درونی این شخصیت‌هاست و نشان می‌دهد که

ما خود را بدون جرم متهم می‌سازیم و هم‌ردیف با گروه تروریستی طالبان قرار می‌دهیم ۱

● دیگر خوانندگی‌ها در این شماره

● اقتصاد

مدل های تعادل و اقتصاد افغانستان

بررسی مزیت‌های تعادل عمومی نسبت

به سایر تعادل‌ها

۳

● فرهنگ

مستندنگاری افسون‌ها و افسانه‌ها

شگفتیهای بامیان، واقعیت و افسانه

● علاقه و کنجکاوی پژوهشگرانه با قریحه و توان ادبی همراه شود، حاصل کار، اثری شگفت می‌شود به نام «شگفتی‌های بامیان». جستجویی دقیق و موشکافانه در آثار و اماکن تاریخی بامیان با نثری جذاب و شیرین.

۴

● اجتماع

به سوی جهانی بی‌رنگ

پیروزی بایدن و یار رنگین‌پوستش امیدها

برای کم شدن نژادپرستی را جان تازه

بخشیده است

● بعد از برگزاری انتخابات در امریکا، راه پیدا کردن اولین زن به کاخ سفید (کاملا هریس) که سیاه‌پوست است، واکنش‌های بسیاری را در جهان به همراه داشت. او رکوردهای بسیاری را به نام خود در تاریخ امریکا ثبت نمود (اولین معاون اول زن، عالی‌رتبه‌ترین...

۵

● تحلیل ۲

کابل، دهلی و اسلام آباد نیست

مقامات پاکستان برای چندمین بار است

که تلاش دارند با فراگفتنی بر طبل رسوایی

خود در رقابت با هندوستان در جغرافیای

کشور مابکوبند



۲

● تحلیل ۳

برشنا؛ سفیر تاریکی!

ریاست برشنا متهم اصلی ایجاد و افزایش

مشکلات مردم در موارد مختلف است



۲

● خبرهای کوتاه

رییس جمهور:

آماده‌ایم شماری از اعضای طالبان را در

چرخ اقتصادی شامل کنیم

● راه مدنیت: محمد اشرف غنی،

رییس جمهور کشور گفت که با

برقراری صلح، دولت افغانستان

آمادگی این را دارد که یک تعداد

زیادی از جنگجویان و اعضای فامیل

طالبان را در چرخ اقتصادی جامعه

شامل سازد.

● راه مدنیت: محمد اشرف غنی،

رییس جمهور کشور گفت که با

برقراری صلح، دولت افغانستان

آمادگی این را دارد که یک تعداد

زیادی از جنگجویان و اعضای فامیل

طالبان را در چرخ اقتصادی جامعه

شامل سازد.



رییس جمهور شام روز ۲۵ عقرب، در

دیدار فلیپو گراندی، کمیشنر عالی

سازمان ملل متحد در امور پناهندگان

تصریح کرد: هدف این است که

جنگجویان طالب به زندگی عادی

رو بیاورند و کارایی و ارائه خدمات

از بخش‌های دیگر صلح‌سازی است

که حکومت افغانستان روی آن به

شدت کار می‌کند.

در این دیدار رییس جمهور بر ختم

جنگ که عامل اصلی مهاجرت و

بی‌جا شدن می‌شود، تأکید ورزید و

گفت که جنگ باید خاتمه پیدا کند

و طالبان از فرصت صلح که به وجود

آمده، استفاده نمایند تا در کشور ما

صلح برقرار شود، هیچ افغان مجبور

به ترک وطن نگردد و در غربت و

وضعیت اسف‌بار در خارج از کشور

به سر نبرد، زیرا عزت هر افغان برای

ما مهم می‌باشد.

رییس جمهور بر اتصال منطقه‌یی،

گسترش همکاری‌های تجارتی و

افغانستان است. وی ضمن ابراز امتنان

از کمک‌های جامعه بین‌المللی در

حمایت از عودت‌کنندگان، گفت که

نیاز است تا این کمک‌ها ادامه یابد.

در این دیدار رییس جمهور غنی و

کمیشنر عالی سازمان ملل متحد در

امور پناهندگان در رابطه به پروسه

صلح و تعهدات دولت افغانستان

برای برقراری صلح، صحبت نمودند

و تأکید گردید که تأمین صلح و

ختم جنگ و خشونت طالبان باعث

خواهد شد که مردم مجبور به

مهاجرت نشوند.

رییس جمهور در مورد افغان‌های

مقیم سایر کشورهای جهان نیز

صحبت نمود و از آنان به عنوان

یک سرمایه بشری که می‌توانند در

رشد اقتصادی افغانستان ممد واقع

شوند، یاد کرد. وی تأکید کرد که

این استعدادها و متخصصان می‌توانند

در انکشاف و پیشرفت افغانستان سهم

ارزنده را ایفا کنند.

حنیف اتمر:

در صفوف طالبان، خارجی‌ها هم حضور دارند

● راه مدنیت: محمد حنیف اتمر، سرپرست وزارت

خارج کشور تأکید کرد: «اگر طالبان با دولت صلح کند

بازهم تروریسم بین‌المللی افغانستان را تهدید خواهد کرد.

خطری که از چهار یا پنج نفری که علیه دولت

می‌جنگند، یک نفرشان خارجی است.»



آقای اتمر، دوشنبه (۲۶ عقرب) هنگام ارایه برنامه کاری

خود به مجلس نمایندگان گفت: «دولت افغانستان قرار

نیست با این وضعیت با گروه طالبان صلح کند. اگر طالبان

صلح می‌خواهند در قدم نخست باید صفوف‌شان را از

اتباع خارجی پاک کنند.»

او تأکید کرد که طالبان با وجود تعهد برای کاهش

خشونت‌ها، جنگ را نه تنها کاهش بل شدت بخشیده‌اند.

وی با بیان اینکه یگانه راه حفظ صلح در افغانستان،

حفظ نظام جمهوری اسلامی است، تصریح کرد که

اولویت سیاست خارجی دولت افغانستان، برقراری

آتش‌بس، تشکیل اجماع منطقه‌یی و استقرار صلح

پایدار در افغانستان است.

این درحالی‌ست که تاکنون هیات مذاکره‌کننده صلح

افغانستان و طالبان در قطر روی پیش شرط‌ها یا طرز‌العمل

به توافق نرسیده‌اند.

همچنین سرپرست وزارت خارج در مجلس نمایندگان

از ناتوانی جامعه جهانی برای ادامه کمک‌ها به افغانستان،

هشدار داد.

وی علاوه نمود که کمک‌های تعهد شده جامعه

جهانی در جریان چهار سال گذشته تا دوماه دیگر به

پایان می‌رسد. از همین رو نشست افغانستان در ژنو تا

چند روز دیگر برای بررسی ادامه این کمک‌ها، برگزار

خواهد شد.

به گفته وی، خطر این وجود دارد که جامعه جهانی

ناتوانی‌اش را در ادامه کمک‌ها به افغانستان نشان دهد

و از همین رو ده شرط اساسی را به حکومت افغانستان

و طالبان سپرده است و این شرط‌ها در نشست کابینه

بررسی خواهد شد.

قرار است که کنفرانس جنوا با حضور هیات‌هایی از

۶۱ کشور و ۳۵ نهاد بین‌المللی و نمایندگان جامعه مدنی،

سکوتر خصوصی و رسانه‌ها به تاریخ ۲۳-۲۴ ماه جاری

میلادی به رهبری دولت افغانستان، کشور فنلند و سازمان

ملل متحد در سوئیس برگزار شود.

در این نشست تعهدات دولت افغانستان برای ادامه

کمک‌های جهان، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پی‌گیری پرونده‌های بزرگ فساد اداری یکی از تعهدات

دولت افغانستان به کشورهای کمک‌کننده بود و

اشتراک‌کنندگان نشست سال ۲۰۱۸ روی نقش محوری

مبارزه با فساد برای آینده افغانستان تأکید کرده بودند.

بیش از هزار خانواده در تخار

صاحب برق شدند



● راه مدنیت: وحیدالله توحیدی، سخنگوی شرکت برشنا گفته که در

این پروژه هفت پایه ترانسفرمر نصب شده که به‌طور مجموع ۱۱۰۰ کیلوولت

امپیر ظرفیت دارد و ۱۷۰۰ خانواده از آن مستفید شدند.

آقای توحیدی، دوشنبه (۲۶ عقرب) گفت، این پروژه در ولسوالی هزارسمیج

ولایت تخار اجرا شده است.

وی اظهار داشت که این پروژه توسط شرکت آرای.دی.اف با هزینه

۱۲۴ میلیون افغانی تکمیل گردیده است.

بر اساس معلومات شرکت برشنا، این پروژه در سال ۲۰۱۸ آغاز شد و

به‌تازگی به بهره‌برداری رسید.

افغانستان به دلیل عدم امکانات و زیرساخت‌ها نمی‌تواند از آفتاب، باد و

آب، انرژی کافی تولید کند. بیشترین انرژی مورد نیاز افغانستان از کشور

ترکمنستان، اوزبیکستان و ایران تأمین می‌شود.

همچنین سفارت امریکا در کابل، در اوایل ماه جاری میلادی گفته بود که

۲۰ سال پیش، شش درصد باشندگان افغانستان برق داشتند، اما اکنون این

رقم به ۳۴ درصد رسیده است.

شرکت خدمات انترنتی ضحاک تکنالوژی

ZTECH
ZOHAK TECHNOLOGY
— Step to the Future —

0786 873 535

sales@ztechisp.com

www.ztechisp.com

خدمات انترنت از طریق بیسیم

خدمات انترنت از طریق کابل فایبر نوری

خدمات انترنت از طریق مایکرویف

خدمات انترنت از طریق ویست

خدمات مکمل ای سی تی

خدمات شبکه سازی

خدمات دیتابیس

خدمات انترنت از طریق بیسیم

خدمات انترنت از طریق کابل فایبر نوری

خدمات انترنت از طریق مایکرویف

خدمات انترنت از طریق ویست

خدمات مکمل ای سی تی

خدمات شبکه سازی

خدمات دیتابیس

رژیم ایران؛ پشتیبان تروریزم

اگر جمهوری اسلامی ایران فکر می‌کند با حمایت از تروریزم می‌تواند دیگران را نیش بزند، زهر این نیش به چشم خودش هم خواهد رفت

● «ایران می‌گوید که در تامین امنیت مرزی با طالبان همکاری دارد.» رسول موسوی، مدیر کل بخش آسیای غربی وزارت امور خارجه ایران در گفتگو با روزنامه اعتماد ایران گفته که کشورش با گروه طالبان در تماس است و میان دو طرف در تامین امنیت مرزهای ایران و افغانستان همکاری وجود دارد. نخست، این موضوع درماندگی جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد که این کشور از تامین امنیت مرزهای خود عاجز و ناتوان مانده و اکنون دست به دامن یک گروه تروریستی شده است، اما از سوی دیگر، تهران حق حاکمیت جمهوری اسلامی افغانستان را نیز به رسمیت می‌شناسد. دو رفتار ضد هم از سوی دولت ایران. این درست که در دکتترین حقوق بین‌الملل، حاکمیت دولت در درون مرزهای خود دیگر یک امتیاز نیست، بل به‌معنای مسوولیت دولت‌ها برای محافظت و حمایت از جمعیت خود در نقض حقوق مردم است و حکمرانی بایستی در مورد رفتار با مردمشان، پاسخگوی جامعه جهانی باشد.

کشورها ضمن به‌رسمیت شناختن و احترام به حق حاکمیت همدیگر، اگر مشکلی با هم پیدا می‌کنند، تهدیدی از ناحیهٔ همدیگر احساس می‌نمایند و یا در شیوه حکمرانی از همدیگر اعتراضی دارند، در چارچوب‌های حقوق بین‌الملل به حل آن می‌پردازند و یا از طریق دخالت انسان‌دوستانه بر مبنای اصول حقوق بشر کشور، خطای را وادار به پاسخگویی و مسوولیت‌پذیری می‌کنند. به بیان دیگر دخالت کشورها در امور همدیگر صرف در جهت بهبود وضع مردمان همدیگر و رعایت موازین حقوق بشر می‌تواند قابل قبول باشد.

اما این بدان معنا نیست که کشورها در موجودیت حاکمیت رسمی یک کشور، با گروه‌ها به‌ویژه گروه‌های شورشی و تروریستی وارد همکاری در امور همدیگر شوند.

تروریستی بودن طالبان برای همه ثابت شده، از همه بیشتر برای خود ایران. در ۱۷ اسد ۱۳۷۷ با اشغال مزار شریف و پیش از قتل‌عام شدن مردم شهر، ۱۰ دیپلمات و یک خبرنگار ایرانی در داخل قنصلوگری این کشور توسط طالبان به رگبار بسته شدند و این جنایت قتل‌عام خوانده شد. ایران از طالبان نتوانست انتقام بگیرد و به احترام روزنامه‌نگار خود، ۱۷ اسد را روز خبرنگار نام گذاشت.

ولی جمهوری اسلامی ایران مدت‌هاست که با روی خون دیپلمات‌ها و خبرنگار خود گذاشته و با گروه تروریستی طالبان برای قتل‌عام مردم افغانستان هم‌دست و هم‌کاسه شده است. ایران طالبان را در خود پناه می‌دهد، افراد جنگی این گروه را آموزش و برای انجام حملات انتحاری تجهیز و تمویل مالی و نظامی می‌کند.

جای تعجب نیست همان گونه که جورج بوش رژیم ایران را محور شرارت خوانده بود، به بزرگ‌ترین حامی تروریزم در جهان تبدیل شود. حمایت رژیم ایران از تروریزم بین‌المللی تنها به پشتیبانی از طالبان ختم نمی‌شود. بر بنیاد گزارش‌های رسانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران توسط سپاه قدس، شاخهٔ برون مرزی سپاه پاسداران در تمام نقاط خاورمیانه و آفریقا از گروه‌های مختلف تروریستی حمایت می‌کند. سوریه، لبنان، عراق، سودان، سومالی، یمن و در این سو، افغانستان و بخش‌هایی از پاکستان هم از دست گروه‌های مورد حمایت افراطی و تروریستی رژیم ایران در امان نیستند و بر اثر سیاست مداخله‌جویانهٔ جمهوری اسلامی ایران به ویرانه‌های غیر قابل زندگی تبدیل شده‌اند.

این کشور ضمن حمایت از گروه‌های متعدد در منطقه و جهان، خود نیز دست به اعمال تروریستی زده است. بمب‌گذاری یک مرکز یهودی در بوئنس آیرس ارجنتاین یکی از نمونه‌های مشهور و ثابت‌شده از اقدام‌های تروریستی جمهوری اسلامی ایران است.

آیت‌الله‌های ایران با اعلام اینکه رژیم خود را بر پایهٔ عدالت علوی اساس گذاشتند و کشور خود را مملکت امام زمان می‌خوانند، اما به‌لحاظ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به جهنم روی زمین برای شهروندان خود تبدیل کرده است.

سران رژیم ایران سرسخت از سرکوب مردم درمانده از فقر و سیاست‌های تبعیض‌آمیز، نظام استبدادی دینی را سرپا کرده‌اند که در نوع خود در جهان بی‌نظیر است. این نظام استبدادی برای خود هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد و در امور عمومی و بسیار خصوصی افراد دخالت می‌کند و در عین حال با آن همه دستگاه‌های امنیتی سرکوب‌گر از زنانی مثل نسرین ستوده که تنها ابزارشان برای اجرای عدالت و پاسخگوکردن مسوولان، زبان مدنی و قلم است، می‌ترسد و آن‌ها را به گونه ظالمانه در بند می‌کشاند.

موارد نقض حقوق بشر تهران تنها شامل سرکوب شهروندان داخلی نیست، بل نظام آخوندی همانند گروه‌های تروریستی، بزرگ‌ترین گروگان‌گیر برای باج‌گیری در جهان است. مثال زنده گروگان‌گیری این کشور، نازنین زاغری است. اما بزرگ‌ترین گروافتادگان جمهوری اسلامی ایران، مهاجران افغان است که اغلب آن‌ها پس از سی‌سال زندگی در ایران، حتا حق خرید یک سیم‌کارت را به‌طور قانونی ندارند و از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم‌اند.

طبق اصول اسلامی، مهاجران در سرزمین‌هایی که توسط مسلمانان فتح شده، خارجی محسوب نمی‌شوند و بر اساس اسناد بین‌المللی راجع به پناهندگان، ایران حق ندارد هیچ‌گونه تبعیضی در برابر مهاجران قایل شود، اما جمهوری اسلامی ایران ضمن اجرای آپارتاید در قبال مهاجران به‌ویژه افغان‌ها، از آن به‌عنوان ابزار فشار علیه دولت‌های افغان استفاده کرده است. افزون بر این، ایران همواره از مهاجران افغان به‌عنوان سپر دفاعی در جنگ عراق و سوریه استفاده کرده و تنش‌های ایدئالوژیک و مذهبی را در منطقه ترویج می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها که با عدالت علوی فاصله دارد، بل امروز این کشور به بهشت مالی برای فرزندان آخوندهای رانت‌خواری درآمده که امام‌زاده جعل می‌کنند. همچنان این کشور به مخفی‌گاه امن برای زندگی خانواده‌های القاعده و تروریستان بین‌المللی تبدیل شده که در سایه حمایت آخوندها به‌طور مثال فرزندان القاعده جشن عروسی برپا و شرکت‌های تولیدی تأسیس می‌کنند تا از درآمد آن برای هدف‌گذاری‌های انتحاری در سراسر جهان استفاده کنند. آن‌گاه اسرائیل برای جلوگیری از حملات آن‌ها، تروریستان القاعده را در خود ایران از بین می‌برد.

سیاست‌نامه

عشق و جنون «صالح» به استخبارات

باید یاد بگیریم که به دیگران حق بدهیم ابراز نظر کنند، به دیدگاه‌ها و باورهای دیگران احترام بگذاریم، روی حرف خود قاطعانه نایستیم و خود را عقل کل نپنداریم

سهراب سنگانی

● آدم‌ها به حوزهٔ مطالعاتی، مسلک و هرچه در آن خود تسلط دارند، بیشتر ارزش و ارجحیت می‌دهند. گاهی هم اشراف به یک موضوع، آدمی را دچار خود بزرگ‌بینی و در مواردی دچار توهم می‌کند.

بنابر تجربهٔ نگارنده، این وضعیت برای کسانی که در حوزه‌های هنری درگیرند بیشتر رخ می‌دهد. چون هنر بیشتر با عشق و جنون پیوند دارد و تا کسی نسبت به یکی از حوزه‌های هنری؛ عشق و جنون نداشته باشد، نمی‌تواند هنرمند خوبی باشد، اما از سوی دیگر همین عشق و جنون به همان میزان که روند هنرمند شدن



کابل، دهلی و اسلام آباد نیست

مقامات پاکستان برای چندمین بار است که تلاش دارند با فرافکنی بر طبل رسوایی خود

در رقابت با هندوستان در جغرافیای کشور ما بکوبند



سید باقر واعظی

● وزارت خارجهٔ کشور ادعای سخنگوی اردوی پاکستان مبنی بر استفاده از خاک افغانستان علیه آن کشور را رد کرد و گفت که دولت افغانستان به‌عنوان قربانی عمدهٔ تروریزم، به سیاست مبارزهٔ بدون تکنیک، علیه تروریزم ادامه می‌دهد. این درحالی است که اردوی پاکستان در حضور شاه‌محمود قریشی، وزیر خارجهٔ این کشور، هند را به تشویق و حمایت تروریزم متهم و ادعا کرد که

شماری از سیاست‌مداران هندی مقیم کابل برخی حملات را علیه پاکستان طراحی می‌کنند.

مقامات پاکستان برای چندمین بار است که تلاش دارند با فرافکنی، بر طبل رسوایی خود در رقابت با هندوستان در جغرافیای کشور ما بکوبند، اما واقعیت امر این است که چگونگی تامین روابط خارجی با کشورهای بیرونی بر اساس منافع ملی تعریف‌شدهٔ هر کشور صدق دارد.

افغانستان نیز از این مقوله مستثنا نیست و برای احیای اقتدار در سیاست خارجی خود تعریف واضح و شفافی می‌تواند در چگونگی روابط با کشورهای بیرونی داشته باشد.

گرچه پاکستان همیشه منافع خود را در حمایت از گروه‌های

شخص را تسریع می‌کند، به همان میزان روزنهٔ دید هنرجو را به بیرون از این حوزه تنگ‌تر می‌کند تا جایی که این عشق و جنون تبدیل به گردابی می‌شود که هنرجو را آن‌قدر در خود فرو می‌برد که قادر به دیدن غیر از هنر نیست.

هرچند این وضعیت بیشتر در نیمه‌راه تخصص به آدم‌ها دست می‌دهد و به هر میزان که جهان‌بینی آدم‌ها وسیع‌تر می‌شود و دایرهٔ روابطشان گسترده‌تر، حس خودبرتربینی هم دچار فروکاست می‌شود، اما برخی در همین مرحله گیر می‌کنند و نمی‌توانند از این گرداب سر بکشند و به جهان هستی واقع‌بینانه‌تر نگاه کنند.

عشق امرالله صالح نیز مسایل امنیتی-استخبارتی است. او نسبت به این مسلک جنون دارد. رفتارهای صالح نشان می‌دهد که او در گرداب دانش و اطلاعات استخباراتی گیر کرده است. با وجود تمامی مخالفت‌هایی که مبنی بر ویران‌کردن سینما پارک وجود داشت، یک‌دنده پای حرف خودش ایستاد و سینما را ویران کرد.

به‌صورت طبیعی عقل حکم می‌کند، وقتی شما به‌عنوان یک مسوول بالاترینهٔ کشور تصمیم به ویرانی و نابودی یک مکان فرهنگی-سینمایی می‌گیرید، به نظرهای اهل فرهنگ و سینما گوش فرا دهید، اما از آن‌جا که برای صالح بیشتر و پیشتر از هرچیز دیگر، اطلاعات امنیتی ارجحیت دارد، در مورد سینما هم با توجه به اطلاعات امنیتی که گویا در آن سینما جرم

اتفاق می‌افتد و محیط‌های زمینه‌ساز جرم باید نابود شود، سینما را ویران می‌کند/ کرد.

تصور صالح بر این است که او اطلاعاتی را در اختیار دارد که کس دیگری در اختیار ندارد، آن اطلاعات امنیتی است و هیچ امری مهم‌تر از اطلاعات امنیتی نیست. بنابراین او خودش را محق می‌پندارد تا به حرف دیگران وقتی نگذارد و حرف منتقدانش را چرند و حسی و عاطفی پندارد.

واقعیت امر این است که صالح تنها متکی به خرده دانش و اطلاعات امنیتی- استخباراتی است که دارد و جز همان اطلاعات، هیچ کس و هیچ چیز برایش مهم نمی‌نماید.

باری یکی از کاربران شبکه‌های اجتماعی از امرالله صالح انتقاد کرده بود. او خیلی سریع منتقدش را به سازنوالی معرفی کرد. واقعیت امر این است که صالح باید سرکوب شود. بنابراین شاید مطابق تئوری‌های امنیتی، چنین باشد که هر کس با ما نیست، مخالف و دشمن است و دشمن باید سرکوب شود.

کسی که حتا یک دیدگاه (کامنت) خلاف توقع او می‌گذارد، باید سرکوب شود. برای صالح در مواردی حتا قانون هم نمی‌تواند مهم‌تر از تئوری‌های امنیتی باشد.

از چنان ذهنی شک نیست، حتی همین نوشتهٔ حاضر را که چیزی جز تحلیل سادهٔ یک شهروند از رفتارهای معاون رییس‌جمهور نیست؛ توطیهٔ دستگاه‌های استخباراتی علیه خودش پندارد.

اما واقعیت امر این است که ما امروزه در عصر آزادی بیان و کثرت‌گرایی به‌سر می‌بریم. باید یاد بگیریم که به دیگران حق بدهیم ابراز نظر کنند، به دیدگاه‌ها و باورهای دیگران احترام بگذاریم، روی حرف خود قاطعانه نایستیم و خود را عقل کل نپنداریم. این ویژگی‌های یک انسان مدرن است و ما باید آموزه‌های عصر خود را بیاموزیم.

خارجی، پاکستان به هیچ‌وجه حق دخالت در چگونگی تامین روابط خارجی ما را با دیگر کشورهای دور و نزدیک ندارد. این کشور می‌تواند میدان رقابت خود را با هند در دهلی و اسلام‌آباد دنبال کند، اما کابل، دهلی و اسلام‌آباد نیست.

اینک ما در سیاست خود با کشورهای منطقه باید دقت کنیم. گرچه گفتمان میان دولت‌مردان کشور و هندوستان همیشه به این هدف بوده که هم‌گرایی در منطقه برای مبارزه با تروریزم صورت بگیرد.

در چنین حالتی، مقامات کشور باید این هوشیاری را داشته باشند که گسترش همکاری‌های نظامی و روابط ما با هر کشوری چون هند، باعث نشود که پاکستان سیاست خصمانهٔ خود علیه افغانستان را شدت بخشد. باید بسیار تلاش نمود که عاقلانه و با برنامه روابط همسایگی و منطقه‌یی خود را هم با پاکستان و هم با هند بر اساس منافع ملی عیار سازیم.

فعلا کشور در برههٔ حساسی از روند گفتگوهای صلح قرار دارد. بدون شک رفتن به طرف گفتگو با پاکستان یا هر کشور دیگر بدون داشتن درک درست از منافع ملی، برای تامین صلح در افغانستان کاری‌ست بی‌مفهوم.

در صورتی‌که حکومت موضع‌گیری خود را بر اساس منافع ملی افغانستان در برابر همسایگان به‌خصوص پاکستان عیار نسازد و مذاکرات را در چهارچوب ملاحظات راه حل منطقه‌یی به پیش نبرد، دست‌یابی به صلح ناممکن و برای مردم و کشورعواقب جبران‌ناپذیر خواهد داشت.

کلان حتی کابل غیر قابل قبول است، علاوه بر اینکه بل‌های صرفیهٔ برق نیز همیشه مورد انتقاد شدید شهروندان قرار دارد.

گرچه میزان کمی از این نارسایی را می‌توان به موضوعات امنیتی و تخریب پایه‌های برق توسط مخالفان حکومت نسبت داد، اما به باور برخی کارشناسان در این امر نیز دست‌های مافیای داخلی برای بالا بردن سوخت‌های بدیل برق شهری چون تیل دخیل است.

مدیریت برق و مدیریت نامعقول آن باعث شده که روند تولید فابریکه‌ها نیز با چالش مواجه شود، حتی تعدادی از فابریکه‌ها که بستر اشتغال‌زایی را فراهم ساخته بودند با ورشکستگی روبه‌رو شده و خط تولید آن‌ها از کار افتاده است.

علاوه بر اینکه بسیاری از شفاخانه‌ها نیز بخش‌های مهم و حیاتی مراکز صحنی خود را به دلیل نبود برق فعال نساخته‌اند. مراکز آموزشی و تعلیمی هم برای آموزش‌دهی مناسب با چالش نبود برق کافی» مواجه‌اند.

در این میان، باندهای مافیای تیل و مواد سوختی نیز زخم ناسور دیگری‌ست که از نبود

برق کافی برای افزایش قیمت سوخت جایگزین برق، سواستفاده می‌کنند. قیمت‌ها را بدون نظر داشت قدرت خرید شهروندان و قیمت حقیقی تمام شده برای تاجر افزایش می‌دهند.

با چنین مشکلاتی، ریاست برشنا متهم اصلی ایجاد و افزایش مشکلات مردم در موارد مختلف است. با هزینه‌های اختصاص‌یافته برای حل مشکل برق در کشور و اعمال هزینه‌های سرسام‌آور بر مردم به نام بل‌های مصرفی برق به جیب حلقه‌یی خاص واریز می‌گردد یا

اینکه مدیریت ریاست برشنا اراده‌یی برای خودکفایی و کاهش فشار بر مردم ندارد.

● امریکا، ایران،

چین، روسیه، هند،

پاکستان و دیگر

کشورهای دخیل در

جنگ افغانستان از

جغرافیای کشور ما

به‌عنوان میدان

تاخت‌وتاز و

قدرت‌نمایی خود

سوءاستفاده کرده‌اند.

همان‌طور که در

سال‌های اخیر شاهد

بودیم، دولت و

نظامیان پاکستان

به‌خاطر پالیسی و

منفعت خودشان

هیچ‌گونه اقدامی

دربارهٔ برقراری روابط

دوستانه با افغانستان

از خود نشان ندادند.

● ریاست برشنا در طول

دوران مدیریت برق،

تاکنون کارنامهٔ سیاهی را

از خود به‌جا گذاشته.

سیستم توزیع برق در

شهرهای کلان حتی کابل

غیر قابل قبول است، علاوه

بر اینکه بل‌های صرفیهٔ

برق نیز همیشه مورد انتقاد

شدید شهروندان قرار

دارد.

ریاست

برشنا

در طول

دوران

مدیریت

برق،

تاکنون

کارنامهٔ

سیاهی را از خود

به‌جا

گذاشته،

سیستم

توزیع

برق در شهرهای



اصطلاح «طرف‌های جنگ» منصفانه نیست!

کاربرد این اصطلاح بیانگر تناقض شدید درونی این شخصیت‌هاست و نشان می‌دهد که ما خود را بدون جرم متهم می‌سازیم و هم‌ردیف با گروه تروریستی طالبان قرار می‌دهیم

- سید نعمت ضیا**

● اصطلاح «طرف‌های جنگ» مانند هر اصطلاح و واژهٔ دیگری دارای پیام و معنای عمیق است. یک اصطلاح و ترم وقتی وارد ادبیات گفتاری و نوشتاری جامعه به‌خصوص در عرصهٔ سیاست و امنیت می‌شود در پشت آن انگیزه‌های زیادی نهفته است. اصطلاحاتی که در حوزهٔ علوم اجتماعی و به‌خصوص در سیاست و امنیت مطرح می‌شوند کنش و نگرش ما را سمت‌وسوی می‌دهند.

ما در تاریخ بشر با اصطلاحات و واژگان متعددی مواجه هستیم که این اصطلاحات طرز زندگی و روش فکری ما را نظم و نسق داده‌اند. اصطلاحاتی چون لبرالیزم، سوسیالیزم، کاپیتالیزم، توتالیترایزم، دموکراسی، مدرنیسم، پست مدرنیزم و … مجموعه‌یی از اصطلاحات‌اند که دارای یک نظام معنایی بسیار وسیع بوده و زندگی بشر را تغییر داده‌اند. حتا این واژگان انسان‌ها را در قطب‌های گوناگون و متضاد قرار داده‌اند.

این اصطلاحات به‌صورت اتفاقی ایجاد نشده‌اند، بل نماد یک روند فکری است. ما در قالب این واژگان زندگی می‌کنیم، شاید خود ما متوجه نباشیم اما تأثیر آنها در جریان حیات ما، ساری و جاری است. با این مقدمه، در مورد ترویج اصطلاح «طرف‌های جنگ» تحلیل می‌شود.

ما در عرصه سیاست و اجتماع افغانستان با اصطلاحاتی چون جنگ‌سالار، تفنگ‌سالار، پنیادگرا، تروریست، برادران ناراضی و افراطی درگیری ذهنی و عینی داشته‌ایم که این واژگان دارای پیام و مصادیق مشخص‌اند. بعضی این واژگان چون جنگ‌سالار و تفنگ‌سالار بر اساس ایجاد تغییرهای نسلی در جامعه ما در حال مطروشدن است، اما کلماتی چون تندروان، برادران ناراضی، تروریستان و افراطیت تا هنوز وجود دارد و مصادیق عینی آن‌ها در وجود طالبان هم‌روزه از مردم قربانی می‌گیرند.

در این روزهای که نیروهای امنیتی و دفاعی کشور به‌شدت در مقابل طالبان تروریست از ارزش‌ها و دست‌آورد‌های دو دههٔ اخیر دفاع می‌کنند و جان می‌دهند؛ اصطلاح «طرف‌های جنگ» از آدرس شخصیت‌های سیاسی، نهادهای اجرایی دولت و نهادهایی که به‌صورت غیر مستقیم جزء دولت است در رسانه‌ها نشر می‌شوند.

استعمال اصطلاح «طرف‌های جنگ» نیروهای امنیتی و دفاعی کشور را با جنگ‌جویان گروه تروریستی طالبان به‌صورت غیر منصفانه در یک صف قرار می‌دهد.

به‌صورت نمونه کمیسون مستقل حقوق بشر افغانستان در بیانیه‌هایش از اصطلاح «طرف‌های جنگ» استفاده می‌کند و نیروهای امنیتی کشور با گروه طالبان در یک ردیف قرار می‌گیرند.

هرچند وظیفهٔ کمیسون حقوق بشر، جلوگیری از نقض حقوق بشر است و این نیز روشن است که این کمیسون یک نهاد مستقل است؛ اما جزء ساختار دولت می‌باشد. اصطلاح «طرف‌های جنگ» در بیانیه‌های این کمیسون حامل این پیام است که بین طالبان و نیروهای امنیتی کشور تفاوتی نیست. در حالی‌که، یکی از ماموریت‌های نیروهای امنیتی کشور، دفاع از حقوق بشر و ارزش‌های والای انسانی است.

اما در مقابل، گروه تروریستی طالبان به حقوق بشر و مفاهیم از این دست باور ندارند. برای طالبان «اعلامیه جهانی حقوق بشر» یکن است که

- اقتصاد**

مدل های تعادل و اقتصاد افغانستان

بررسی مزیت‌های تعادل عمومی نسبت به سایر تعادل‌ها

- سید فضل الرحمن سادات**

کارشناس تحقیق و تحلیل وزارت اقتصاد

● توسعه یکی از اهداف اساسی تمام کشورهای جهان سوم است. بدون شک هدف بزرگ افغانستان نیز همین است، به همین جهت تمام برنامه‌های دولت اعم از امن‌تر در داخل بسیار زیاد است با حمایت دولت به‌مرور زمان عرضه نیز بهتر خواهد شد. یکی از سیاست‌هایی که در طی سال‌های پس از ۲۰۰۱ به‌شدت به تولیدات داخلی افغانستان آسیب رسانده ، پیروی از نظام بازار آزاد مطلق است. نظام بازار آزاد، نظامی است که دولت در اقتصاد آن مداخله نمی‌کند. متأسفانه پس از تشکیل دولت موقت آقای کرزی این نظام را نهادهای بین‌المللی حامی، به افغانستان تحمیل کرده‌اند. طبق اعتراف آقای کرزی در مصاحبه با طلوع نیوز پس از دوران حاکمیتشان یکی از اشتباهات بزرگ ایشان پذیرش این نظام بوده است.

از دیدگاه نگارنده نیز نظام بازار آزاد مطلق تاکنون بیش از ناامنی به تولیدات داخلی آسیب رسانده. گرچه این نظام دست‌آورد‌های زیادی را برای کشورهای ثروتمند جهان داشته؛ اما شرایط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی افغانستان با دیگر کشورها بسیار متفاوت است؛ به همین جهت، لازم است به‌منظور بهره‌برداری هر چه‌بتر از این نظام، تغییراتی متناسب با فضای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور در آن ایجاد گردد. یکی از تعدیلات لازم افزایش تعرفه‌های گمرکی برای تولیداتی است که افغانستان در آن‌ها مزیت دارد. صاحب‌نظران

عرصهٔ اقتصادی تأکید دارند در مراحل آغازین توسعه، دولت باید از تولیدات نوزاد خود همانند مادری که از طفل نوزادش حمایت می‌کند، حمایت کند.

متأسفانه بخش صنعت افغانستان برآثر ناامنی تاکنون آسیب‌های زیادی دیده؛ اما به نظر می‌رسد آسیب‌های نظام بازار آزاد در وضعیت کنونی افغانستان تنه‌تها کمتر از ناامنی نبوده، بل بیش‌تر هم است. طوری که آمار سال ۱۳۹۸ ادارهٔ احصاییه ملی افغانستان

هیچ گونه ارزش ندارد. طالبان ضدیت و مخالفت‌شان را با حقوق بشر

تنها در حد فکر و اندیشه نشان نمی‌دهند؛ بل به‌صورت عملی نیز نشان

داده‌اند. در تابستان سال۱۳۹۸ تروریستان طالب، قلب عبدالصمد

قربانی می‌دهند. سوال دوم این‌که چرا طالبان نیروهای امنیتی را با قساوت تمام می‌کشند، تسلیخ می‌کنند، در صورت جان‌باختن نیروهای امنیتی جشن می‌گیرند و حتا اجازهٔ ادای نماز که یک اصل اسلامی است بر پیکرهای‌شان را نابود نمی‌دهند؟

اگر ما عمق این قساوت طالبان را درک کنیم، به این معناست که هیچ تفاوت بین نیروهای امنیتی کشور با آنان که خارج از صفوف نیروهای امنیتی در ساختارهای اداری، خدماتی و مدنی قرار دارند، از نظر طالبان نیست. طالبان با کشتن و تسلیخ سربازان نیروهای امنیتی در واقع باور و آرمان انسانی هر شهروند کشور را نابود می‌سازند.

طالبان وقتی سربازان قهرمان و دلیر امنیتی را به قتل می‌رسانند در حقیقت قانون اساسی، فعالان حقوق بشر و حقوق زن، فعالان جامعه مدنی، خبرنگاران و تمام ارزش‌های اسلامی، ملی و انسانی ما را به خاک و خون می‌کشند. طالبان وقتی سرباز را تسلیخ می‌کنند و ادای نماز بر جنازه‌شان را روا نمی‌دانند در واقع دولت‌مردان، سیاست‌مداران، روشنفکران، تحصیل‌کردگان و عالمان دین این جامعه را توهین و تحقیر می‌کنند.

نیروهای امنیتی را ما نمی‌توانیم یکی از طرف‌های جنگ تعریف کنیم. چون آنان از تمامیت ارضی، آزادی، اهداف و آرمان‌ها، منافع ملی و ارزش‌های انسانی تمام مردم افغانستان دفاع می‌کنند.

نیروهای امنیتی کشور هیچ گاهی طرفدار جنگ و خون‌ریزی نیستند. این گروه تروریستی طالبان است که تداوم‌شان را در جنگ و خون‌ریزی تصور می‌نمایند و تمام مردم را دشمن می‌دانند و به‌هیچ کسی رحم نمی‌کنند. تجاوز و حملات طالبان بالای شهروندان بی‌گناه، خبرنگاران، فعالان مدنی، طبیبان و نهادهای اکادمیک و آموزشی بیان‌گر دشمنی و ستیز عمیق آنان با کل مردم است.

اگر اصطلاح «طرف‌های جنگ» تبارشناسی شود، ترویج آن برمی‌گردد به آنان‌که خودشان جزء بنیان‌گذاران این نظام و دولت بوده‌اند. کاربرد این اصطلاح بیانگر تناقض شدید درونی این شخصیت‌هاست و نشان می‌دهد که ما خود را بدون جرم متهم می‌سازیم و هم‌ردیف با گروه تروریستی طالبان قرار می‌دهیم.

منتقدان و سیاست‌مداران می‌توانند دولت را به‌صورت جدی نقد اصلاحی کنند، اما وقتی نیروهای امنیتی کشور را با طالبان در یک صف قرار می‌دهند جفا به افغانستان است.

هدف نیروهای امنیتی کشور دفاع از زندگی است و هدف طالبان نابودسازی زندگی. با این تفاوت

ما نباید نیروهای امنیتی را «طرف جنگ» تعریف کنیم. نیروهای امنیتی در یک جنگ تحمیلی به سر می‌برند که توسط گروه تروریستی طالبان با حمایت عقبه‌های بیرونی و منطقه‌وی‌شان جریان دارد.

در اخیر باید گفت که دولت یک کل است و نهادهای و نیروهای امنیتی یکی از اجزای این کل می‌باشند که وظیفه و ماموریت‌شان دفاع از اهداف و آرمان‌های انسانی و اسلامی مردم و دولت جمهوری اسلامی افغانستان است.

بیکاری، کاهش ناامنی، افزایش درآمد، افزایش پس‌انداز، افزایش سرمایه‌گذاری مجدد خواهد شد. افزایش نرخ تعرفه‌های گمرکی در واردات کالاهای که افغانستان در تولید آن‌ها مزیت دارد، اعطای وام‌های بلندمدت و با بهره پایین، کاهش مالیات، حذف تعرفه‌های گمرکی برای صادرات کالاهای به‌منظور دستیابی به بازارهای ثروتمند جهان، اعطای سوبسید برای شرکت‌های بازاریابی بین‌المللی کالاهای افغانستان، ایجاد زیرساخت‌ها مثل: جاده، سیستم حمل‌ونقل پیشرفته، آب، برق، تلفن، انترنت، کاهش فساد اداری، کاهش بروکراسی اداری، ایجاد ثبات سیاسی، افزایش امنیت داخلی، بهبود روابط دیپلوماسی با کشورهای منطقه و جهان، توجه ویژه به تحقیق و پژوهش، جذب سرمایه‌گذاری خارجی از سیاست‌هایی است که می‌تواند تولیدات داخلی را افزایش دهد.

یکی از مواردی که در افزایش تولیدات داخلی بسیار مؤثر است، سرمایه‌گذاری خارجی است. تولید زمانی شکل می‌گیرد که عوامل تولید یعنی زمین، کار و سرمایه با همدیگر یک جا گردند. افغانستان دو عامل اولی را به‌وفور دارد، اما متأسفانه به عامل سومی بسیار نیازمند است. سرمایه‌گذاری خارجی ضمن اینکه می‌تواند عوامل کار و زمین را به کارنداخته و تولید داخلی را زیاد کند مزیت‌های گوناگون زیاد دیگری هم برای کشور به همراه دارد. کاهش بیکاری، انتقال دانش، انتقال تکنالوژی و فناوری، انتقال تخصص مدیریتی برای تولید در مقیاس وسیع، آموزش حین کار، تنها گوشه‌یی از مزیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی است. کسب بسیاری از فناوری‌های پیشرفته دنیا برای افغانستان هزینه‌بر است و این کشور قادر به پرداخت این هزینه نیست؛ سرمایه‌گذاری خارجی یکی از راه‌هایی است که با استفاده از آن می‌توان به این فناوری‌ها دست پیدا کرد. در نتیجه با توجه به مزیت‌های گوناگون ذکرشده و کم بود پس‌انداز در کشور، نیاز است دولت افغانستان بیش‌ازپیش به سرمایه‌گذاری خارجی اهمیت داده و موانع جذب آن را هر چه سریع‌تر برطرف سازد.

با توضیحات مطرح‌شدهٔ فوق مشخص می‌گردد که تولید یکی از عوامل بسیار مهم جهت نایل شدن به توسعه می‌باشد، اما متأسفانه هم‌اکنون افزایش تولید در افغانستان با موانع گوناگونی مواجه است. نیاز است دولت افغانستان بیش‌ازپیش به این مهم توجه کرده و موانع ذکرشده را برطرف سازد. لازم است به همین منظور تمام سیاست‌های پولی و مالی بانک مرکزی و دولت نیز در راستای حمایت از تولیدات داخلی باشد تا علاوه بر اینکه تولیدات کنونی افغانستان عزیز تقویت می‌گردد، بتواند در آینده نزدیک در کالا و خدمات بیشتری مزیت پیدا کند و با استفاده از تولیدات بیشتر، کسری تراز تجاری کنونی خود را کاهش داده و به ساحل نجات توسعه، نزدیک‌تر شود.

قوانین و عملی‌سازی توسعه در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی.

نیروهای امنیتی از نظم سیاسی و اجتماعی دفاع می‌کنند که بر اساس یک اجماع جهانی با مشارکت سیاست‌مداران و رهبران افغان در سال ۲۰۰۱ بنیاد گذاشته شد. نیروهای امنیتی برای اجرایی‌شدن این فکر

قربانی می‌دهند.

سوال دوم این‌که چرا طالبان نیروهای امنیتی را با قساوت تمام می‌کشند، تسلیخ می‌کنند، در صورت جان‌باختن نیروهای امنیتی جشن می‌گیرند و حتا اجازهٔ ادای نماز که یک اصل اسلامی است بر پیکرهای‌شان را نابود نمی‌دهند؟

اگر ما عمق این قساوت طالبان را درک کنیم، به این معناست که هیچ تفاوت بین نیروهای امنیتی کشور با آنان که خارج از صفوف نیروهای امنیتی در ساختارهای اداری، خدماتی و مدنی قرار دارند، از نظر طالبان نیست. طالبان با کشتن و تسلیخ سربازان نیروهای امنیتی در واقع باور و آرمان انسانی هر شهروند کشور را نابود می‌سازند.

طالبان وقتی سربازان قهرمان و دلیر امنیتی را به قتل می‌رسانند در حقیقت قانون اساسی، فعالان حقوق بشر و حقوق زن، فعالان جامعه مدنی، خبرنگاران و تمام ارزش‌های اسلامی، ملی و انسانی ما را به خاک و خون می‌کشند. طالبان وقتی سرباز را تسلیخ می‌کنند و ادای نماز بر جنازه‌شان را روا نمی‌دانند در واقع دولت‌مردان، سیاست‌مداران، روشنفکران، تحصیل‌کردگان و عالمان دین این جامعه را توهین و تحقیر می‌کنند.

نیروهای امنیتی را ما نمی‌توانیم یکی از طرف‌های جنگ تعریف کنیم. چون آنان از تمامیت ارضی، آزادی، اهداف و آرمان‌ها، منافع ملی و ارزش‌های انسانی تمام مردم افغانستان دفاع می‌کنند.

نیروهای امنیتی کشور هیچ گاهی طرفدار جنگ و خون‌ریزی نیستند. این گروه تروریستی طالبان است که تداوم‌شان را در جنگ و خون‌ریزی تصور می‌نمایند و تمام مردم را دشمن می‌دانند و به‌هیچ کسی رحم نمی‌کنند. تجاوز و حملات طالبان بالای شهروندان بی‌گناه، خبرنگاران، فعالان مدنی، طبیبان و نهادهای اکادمیک و آموزشی بیان‌گر دشمنی و ستیز عمیق آنان با کل مردم است.

اگر اصطلاح «طرف‌های جنگ» تبارشناسی شود، ترویج آن برمی‌گردد به آنان‌که خودشان جزء بنیان‌گذاران این نظام و دولت بوده‌اند. کاربرد این اصطلاح بیانگر تناقض شدید درونی این شخصیت‌هاست و نشان می‌دهد که ما خود را بدون جرم متهم می‌سازیم و هم‌ردیف با گروه تروریستی طالبان قرار می‌دهیم.

منتقدان و سیاست‌مداران می‌توانند دولت را به‌صورت جدی نقد اصلاحی کنند، اما وقتی نیروهای امنیتی کشور را با طالبان در یک صف قرار می‌دهند جفا به افغانستان است.

هدف نیروهای امنیتی کشور دفاع از زندگی است و هدف طالبان نابودسازی زندگی. با این تفاوت

ما نباید نیروهای امنیتی را «طرف جنگ» تعریف کنیم. نیروهای امنیتی در یک جنگ تحمیلی به سر می‌برند که توسط گروه تروریستی طالبان با حمایت عقبه‌های بیرونی و منطقه‌وی‌شان جریان دارد.

در اخیر باید گفت که دولت یک کل است و نهادهای و نیروهای امنیتی یکی از اجزای این کل می‌باشند که وظیفه و ماموریت‌شان دفاع از اهداف و آرمان‌های انسانی و اسلامی مردم و دولت جمهوری اسلامی افغانستان است.

بیکاری، کاهش ناامنی، افزایش درآمد، افزایش پس‌انداز، افزایش سرمایه‌گذاری مجدد خواهد شد. افزایش نرخ تعرفه‌های گمرکی در واردات کالاهای که افغانستان در تولید آن‌ها مزیت دارد، اعطای وام‌های بلندمدت و با بهره پایین، کاهش مالیات، حذف تعرفه‌های گمرکی برای صادرات کالاهای به‌منظور دستیابی به بازارهای ثروتمند جهان، اعطای سوبسید برای شرکت‌های بازاریابی بین‌المللی کالاهای افغانستان، ایجاد زیرساخت‌ها مثل: جاده، سیستم حمل‌ونقل پیشرفته، آب، برق، تلفن، انترنت، کاهش فساد اداری، کاهش بروکراسی اداری، ایجاد ثبات سیاسی، افزایش امنیت داخلی، بهبود روابط دیپلوماسی با کشورهای منطقه و جهان، توجه ویژه به تحقیق و پژوهش، جذب سرمایه‌گذاری خارجی از سیاست‌هایی است که می‌تواند تولیدات داخلی را افزایش دهد.

یکی از مواردی که در افزایش تولیدات داخلی بسیار مؤثر است، سرمایه‌گذاری خارجی است. تولید زمانی شکل می‌گیرد که عوامل تولید یعنی زمین، کار و سرمایه با همدیگر یک جا گردند. افغانستان دو عامل اولی را به‌وفور دارد، اما متأسفانه به عامل سومی بسیار نیازمند است. سرمایه‌گذاری خارجی ضمن اینکه می‌تواند عوامل کار و زمین را به کارنداخته و تولید داخلی را زیاد کند مزیت‌های گوناگون زیاد دیگری هم برای کشور به همراه دارد. کاهش بیکاری، انتقال دانش، انتقال تکنالوژی و فناوری، انتقال تخصص مدیریتی برای تولید در مقیاس وسیع، آموزش حین کار، تنها گوشه‌یی از مزیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی است. کسب بسیاری از فناوری‌های پیشرفته دنیا برای افغانستان هزینه‌بر است و این کشور قادر به پرداخت این هزینه نیست؛ سرمایه‌گذاری خارجی یکی از راه‌هایی است که با استفاده از آن می‌توان به این فناوری‌ها دست پیدا کرد. در نتیجه با توجه به مزیت‌های گوناگون ذکرشده و کم بود پس‌انداز در کشور، نیاز است دولت افغانستان بیش‌ازپیش به سرمایه‌گذاری خارجی اهمیت داده و موانع جذب آن را هر چه سریع‌تر برطرف سازد.

با توضیحات مطرح‌شدهٔ فوق مشخص می‌گردد که تولید یکی از عوامل بسیار مهم جهت نایل شدن به توسعه می‌باشد، اما متأسفانه هم‌اکنون افزایش تولید در افغانستان با موانع گوناگونی مواجه است. نیاز است دولت افغانستان بیش‌ازپیش به این مهم توجه کرده و موانع ذکرشده را برطرف سازد. لازم است به همین منظور تمام سیاست‌های پولی و مالی بانک مرکزی و دولت نیز در راستای حمایت از تولیدات داخلی باشد تا علاوه بر اینکه تولیدات کنونی افغانستان عزیز تقویت می‌گردد، بتواند در آینده نزدیک در کالا و خدمات بیشتری مزیت پیدا کند و با استفاده از تولیدات بیشتر، کسری تراز تجاری کنونی خود را کاهش داده و به ساحل نجات توسعه، نزدیک‌تر شود.

سال نهم ● شماره ۶۴۲

● سه‌شنبه ۲۷ عقرب ۱۳۹۹

اقتصاد

واکاوی یافت‌های گزارش زیربنا

در یک گفتمان

گفتمان تخصصی زیربنا پیرامون شفافیت و پاسخگویی در

تطبیق ۱۶ پروژه بزرگ ملی کشور هفتهٔ گذشته برگزار گردید.

- فرزاد عنایت**

● گفتمان تخصصی زیربنا به منظور بحث و تبادل نظر پیرامون یافته‌های گزارش شفافیت و پاسخگویی در پروژه‌های ملی زیربنایی کشور روز سه‌شنبه، ۲۰عقرب ۱۳۹۹ در کابل برگزار گردید. براساس یافته‌های این گزارش که از جانب ابتکار شفافیت زیربنای افغانستان تهیه شده، دولت در پلان ملی زیربنا که بر اساس چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان ۳۰۱۷-۲۰۲۱ تدوین شده، به تطبیق ۱۶ پروژه بزرگ ملی در شش سکتور و به ارزش مجموعی نزدیک به ۶ میلیارد دالر متعهد بوده است. بررسی‌های این گزارش نشان می‌دهد که دولت در تطبیق ۱۶ پروژه بزرگ ملی پیشرفت قابل ملاحظه‌یی نداشته و همچنین در نشر اطلاعات پروژه‌های مذکور به مردم نیز کوتاهی کرده است.

دوکتور کریمه حامد فاریابی، سرپرست وزیر اقتصاد و رییس گروه نهادهای ذی‌دخل این ابتکار گفت: «همانطوری که در جریان هستید، قرار است به زودی نشست جینوا به منظور تدوین چارچوب دوم ملی صلح و انکشاف افغانستان ۲۰۲۱ – ۲۰۲۵ برگزار گردد. در همین رابطه ابتکار شفافیت زیربنای افغانستان گزارشی را پیرامون شفافیت و پاسخگویی در ۱۶ پروژه بزرگ ملی که در چارچوب اول صلح و انکشاف افغانستان (پلان ملی زیربنا) اولویت‌بندی شده بود تهیه نموده است. این گزارش یافته‌های مشخصی برای بهبود پروژه‌های زیربنایی دارد. اگرچه سکتور زیربنای افغانستان از سال ۲۰۰۲ به این طرف پیشرفت قابل توجه‌ای داشته، اما پیشرفت‌ها زمانی مؤثر خواهد بود که دولت بتواند راهکارهای اساسی برای افزایش شفافیت و پاسخگویی در تطبیق پروژه‌های زیربنایی را اعمال نماید.»

انکار در اطلاعات

نشر اطلاعات یکی از بخش‌های این گزارش است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از میان ۱۶ پروژه ملی، اطلاعات تنها ۶ پروژه، به صورت فعالانه در سیستم اداره تدارکات ملی (AGEOPS)منتشر شده و اطلاعات ۱۰ پروژه دیگر به صورت فعالانه در اختیار مردم قرار نگرفته است.

آقای سید اکرام افضلی، رییس دیدبان شفافیت افغانستان گفت: «یکی از چالش‌های مهم در نشر اطلاعات، نبود ارتباط و همبستگی منطقی میان اطلاعات در سطح قرارداد و اطلاعات در سطح پروژه ها می‌باشد. به عنوان مثال هنگام جستجو اسم پروژه خط آهن هرات – تورخندی در سیستم AGEOPS، ۹ قرارداد با نام‌های مختلف به نمایش گذاشته می‌شود.

اطلاعاتی که از این پروژه به شکل قراردادها در سیستم تدارکات الکترونیکی و باز افغانستان منتشر شده، دارای کدهای جداگانه است که هیچ تسلسل منطقی نسبت به قراردادها و اصل پروژه ندارد. به همین شکل در سایر پروژه‌ها ارتباط منطقی میان اطلاعات در سطح قرارداد و سطح پروژه وجود ندارد. این کار باعث شده است که استفاده از اطلاعات دشوار گردد و مشکلاتی را برای استفاده کننده گان اطلاعات بخصوص جامعه مدنی خلق کند. به همین منظور ایجاد یک سیستم ویژه نشر اطلاعات تحت سیستم فعلی اداره تدارکات ملی با در نظر داشت استندرد جدید نشر اطلاعات OC&IDS می‌تواند در حل این مشکل کمک نماید.»

آقای صیبت الله کریمی، رییس دارالانشای ملی ابتکار شفافیت زیربنای افغانستان گفت: «در کنار مساله نشر اطلاعات پروژه‌های زیربنایی، مساله تطبیق نیز مهم است.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تاکنون هیچ یک از پروژه‌های پلان شده در پلان ملی زیربنا ۲۰۱۷ – ۲۰۲۱ تکمیل نشده است. از میان ۱۶ پروژه، قرارداد ۵ پروژه (پروژه تاپ ۵۰۰، سرمایه‌گذاری بر روی دریای کابل و کتر برای برق‌های آبی، امکان‌سنجی انرژی قابل تجدید ۱۰۰ مگاوات برق آفتابی در کابل) و خط آهن هرات – تورخندی و خط آهن اندخوی، شبرغان، مزار شریف – کندز) تاکنون امضا نشده است، ۸ پروژه تحت کار است، و اطلاعات دقیق ۳ پروژه دیگر از جمله پروژه تاپی نامعلوم است.»

وی همچنین گفت: «فساد و غیر مؤثر بودن اصلاحات در سکتور زیربنا و عدم تمکین نهادهای حکومتی به یافته‌های گزارشات تحقیقی این ابتکار و یا سایر نهادهای باعث شده است که ما در تطبیق پروژه‌های زیربنایی پیشرفت چندانی نداشته باشیم.»

قرار است دولت افغانستان به زودی چارچوب دوم ملی صلح و انکشاف افغانستان را برای ۵ سال آینده (۲۰۲۱ – ۲۰۲۵) تدوین نماید. لذا به منظور بهبود پروسه‌های تطبیق پروژه‌های زیربنایی پیشنهاد می‌شود که موضوع تطبیق سفارش‌های گزارش‌های اطمینان‌دهی کاست افغانستان که معمولا به شکل سالانه صورت می‌گیرد و سکتور زیربنا را مورد بررسی قرارمی‌دهد، در چارچوب متذکره مد نظر گرفته شود. همچنین ایجاد صفحه ویژه نشر اطلاعات پروژه‌های زیربنایی تحت سیستم فعلی اداره تدارکات ملی با در نظر داشت معیارهای کاست بخصوص استندرد نشر اطلاعات OC&IDS می‌تواند در حل چالش‌های متذکره نشر اطلاعات پروژه‌های زیربنایی نقش مؤثری داشته باشد.

ادامه سرقاله از صفحه ۲

رژیم ایران؛ پشتیبان تروریزم

اما ایران تا کی می‌تواند به این سیاست موش و گربه خود ادامه دهد. آتشی که با حمایت از تروریزم توسط جمهوری اسلامی ایران در منطقه ایجاد شده، دیر یا زود چشم خود ایران را کور می‌کند و این راه به بیراههٔ تباهی و ویرانی تمام می‌شود. کوری تهران آن چنان تاریک است که مانور تروریست‌ها در مجلس شورای اسلامی، آرامگاه بنیان‌گذار خود و قتل‌عام شدن سربازان‌شان در حال رژهٔ خود را نمی‌تواند به یاد بیاورد. جمهوری اسلامی ایران اگر می‌گوید با طالبان دربارهٔ امنیت مرزی همکاری دارد، چرا از گروه جندالله خود نمی‌خواهد که امنیت مرزهایش را بر هم نزند، مواد مخدر و انسان قاچاق نکند و مهم‌تر از همه، دست از پرپر کردن فجیعانهٔ مرزبانان‌اش بردارد.

تهران اگر فکر می‌کند که با جای دادن به طالبان در خاک خود می‌تواند افغانستان را نیش بزند، دیگران هم می‌تواند گروه‌های ناراضی این کشور را در خود جای داده و عمل بالمثل انجام بدهند.

جمهوری اسلامی ایران به انگلی می‌ماند که بیماری نفرت، ترور، فقر، تبعیض و تنش را در خود و منطقه سرایت داده و از ایران حافظ و سعدی که می‌گفت بنی‌آدم اعضای یک دیگرند/ که در آفرینش زیک گوهرند/ چو عضوی به درد آورد روزگار/ دیگر عضوها را نماند قرار، فاصله گرفته و این رژیم بارها به ملت‌هایی که به زبان مولانا و خیام سخن می‌رانند، توهین کرده است.

آخوندهای رژیم ایران باید بدانند که با این سیاست‌های بیمارگونه‌شان، پیش از همه، خود از پای می‌افتند. این کشور بهتر است با دولت مشروع و قانونی افغانستان برای حل اختلافات و چالش‌های مرزی وارد گفتگو و همکاری شود، به مسوولیت‌های بین‌المللی خود در همهٔ مواردی که ذکر شده، رسیدگی کند و طبق اصل احترام به حاکمیت کشورها برای خود نیز احترام بخرد.

در سوگ یک مرد

احمدضیا شریفی، بانی نشرکمپیوتری در افغانستان

● **گل احمد ینا**

● روز ۲۹عقرب ۱۳۹۹، پنجاهمین سال تولد مردی‌ست که در قلب کسانی جای داشت که او را از نزدیک می‌شناختند و با او در رابطه بودند. او دوست فقرا، غم‌دیدگان، محتاجان و مظلومان بود. به فراگیری دانش و یادگیری اصول کار و فهم هنر و شعر از عمق وجود می‌پرداخت. سال‌ها با نشرات کمپیوتری ارتباط داشت و



اولین کسی بود که در کابل نخستین نشریه با تکنالوژی جدید کمپیوتری را رایج ساخت. در حقیقت احمدضیا شریفی بانی نشر کمپیوتری درافغانستان است. متأسفانه این انسان مبتکر و بزرگوار قبل از اینکه پنجاهمین سالگرد خجستهٔ خود را ببیند، شب جمعه، ۲۰عقرب۱۳۹۹ درشفاخانهٔ علی‌آباد (بخش آی‌ام‌سی) یا شفاخانه فرانسوی‌ها ساعت ۸شب داعی اجل را لبیک گفت و به اثر مبتلا به کووید۱۹ درگذشت.

روز جمعه ۲۳عقرب ساعت ده قبل از ظهر در تپهٔ کارته نو در حالی که جمعی از دوستان و اهل علم و خانقاه و عالمان دین حاضر بودند بعد از ادای نماز جنازه محترمانه به خاک سپرده شد و به نمایندگی از علما و خانقاهیان و اهالی مساجد و خانواده و دوستان تعدادی دربارهٔ شخصیت عالی‌مقام وی سخنرانی کردند.

چنان که در روز جنازه، سخنرانان گفتند الحاج مرحوم احمدضیا شریفی انسان پاک، آگاه وراستکار ووطن‌دوست و مومن بود. در خانه او را دوست داشتند. قوم و خویش نزدیک و دور همه از خوبی‌های او یاد می‌کنند. همسایه‌ها از او خاطره‌های نیک دارند. کسانی که در هجرت با او بودند، او را یار هجرت خوانده‌اند.

خواندن نماز در مسجد و ادای نماز تهجد از جوانی شیوهٔ عبادت همیشگی‌اش بود. اشتراک در حلقات تفسیر و حدیث در مساجد وی را لذت خاص می‌داد. دادن زکات و خیرات را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کرد. کسی از او سخن زشت نشنیده بود.

مستندنگاری افسون‌ها و افسانه‌ها

شگفتیهای بامیان، واقعیت و افسانه

● **جواد خاوری**

● علاقه و کنجکاوی پژوهشگرانه با قریحه و توان ادبی همراه شود، حاصل کار، اثری شگفت می‌شود به نام «شگفتی‌های بامیان». جستجویی دقیق و موشکافانه در آثار و اماکن تاریخی بامیان با نثری جذاب و شیرین.

جواد خاوری، نویسنده و پژوهشگر صاحب‌نام با پژوهش و تألیف این کتاب، گنجی بارزبز به گنجینه فرهنگی افغانستان افزوده است.

افغانستان با پیشینه باشکوه تمدنی‌اش دارای آثار باستانی فراوانی است که اگر حکومتی مسوول، عاقل و دلسوز وجود داشته باشد، باعث رواج صنعت گردشگری و کسب درآمدی هنگفت می‌شود.

متأسفانه، سال‌هاست که از داشتن چنین نظامی محرومیم و آثار باستانی و تاریخی مملکت ما مظلومانه در معرض تخریب‌های ناشی از بی‌توجهی، مراقبت ناشدن، جنگ و دستبرد‌های غارتگران و سودجویان قرار دارد. چنین تأسفی را هر از گاهی در صفحه‌های کتاب شگفتی‌های بامیان از زبان جواد خاوری نیز می‌خوانیم، به خصوص در فصلی که نویسنده به اتفاق غم‌انگیز و تلخ انفجار مجسمه‌های بودا می‌پردازد. دل می‌خواهد که آن سطرها را بخوانی و چشمت را نم نزنند در اندوه نابودی یکی از شگفت‌ترین آثار تمدنی جهان و یکی از بزرگترین دارایی‌های ملی افغانستان.

فرمانده یا مسوول عملیات تخریب، کسی بود به نام ملا بتشکن.

بسیاری از طالبان برای اینکه سهمی

در تخریب بت‌ها بگیرند، از نقاط مختلف به بامیان آمده بودند. آنها برای کسب ثواب می‌کوشیدند تیری به سمت بت‌ها پرتاب کنند. به این ترتیب، مجسمه‌ها قبل از انفجار نهایی، آماج تیرهای زیادی از انواع س جهای سبک و سنگین قرار گرفت. مقدار مواد منفجره‌یی که در تخریب بت‌ها به کار گرفته شد، بار چندین کامیون شده، آنجا آورده شده بود. (ص ۱۰)

دریغ و دردی در ذات این واقعه نهفته هست و خاوری،

امانتدارانه آن را در این جم ت از زبان یکی از از شاهدان عینی

واقعه نقل می‌کند و ماهرانه، اندوهش را در مستندنگاری آن

نشان می‌دهد، نه در لحن نگارش.

این خصیصه یعنی رعایت لحن پژوهشگرانه، یکی از ارزش‌های

فرهنگ

جمهوری‌خواه در وزارت خارجه چیزبست که بسیاری از کارمندان فاقد آن می‌باشند، اما احمدضیا شریفی با شوق و ذوقی که به کار داشت همیشه برای مشکلات راه‌های حل منطقی جستجو می‌کرد و با مسوولان به صورت واضح درمیان می‌گذاشت. این نظریات معمولاً ابتکاری و در صورتی که عملی می‌شدند، مثمر ثمر می‌بود.

مطالعات وی در زمینهٔ حقوق سیاسی و روابط بین‌الدول و مخصوصاً تاریخ خط دیورند که موضوع پایان‌نامهٔ دورهٔ لیسانس وی بود، او را از حیث نظری کمک کرده بود تا تاریخ معاصر کشور را از جنبهٔ سیاسی عمیق‌تر تحلیل کند و در مناسبات بین‌المللی و تشریفات امور خارجی باریکی‌های کاری را متوجه شود. او برای همکاران و مسوولان سیاست خارجی و روابط بین‌المللی مشوره‌های لازم در مواقع حساس تصمیم‌گیری مقامات دولتی ارایه نماید. کار وی در پست‌های مختلف وزارت امور خارجه و ادارهٔ امور ریاست‌جمهوری به‌خصوص به حیث عضو ریاست تشریفات و زارت امور خارجه و معاون روابط بین‌المللی ادارهٔ امور ریاست‌جمهوری در خور ستایش است. او همواره با دانش حقوقی و فهم تجربی سیاست خارجی و دیپلوماسی که داشت، با در نظر داشت منافع ملی افغانستان، وظایف خود را در تنظیم امور محوله به صورت شایسته انجام می‌داد.

در افغانستان نشرات کمپیوتری برای نخستین بار به وسیلهٔ احمدضیا شریفی مسوول خدمات کمپیوتری بنیاد فرهنگی و تعاون اجتماعی امام محمد غزالی در این موسسهٔ غیرانتفاعی و خیریه در کابل به نشر رسید. تا آن زمان در کابل موسسات طباعتی با نشرات کمپیوتری آشنا نبودند. تجاری که احمدضیا شریفی در دوران مهاجرت در پشاور پاکستان کسب کرده بود. او را قادر ساخت که افتخار نخستین کار کمپیوتری را در افغانستان در بنیاد امام غزالی به خود اختصاص بدهد. در سال ۱۳۷۲ نخستین بار خدمات و رفاء عامه، صدای زمان و برخی از نشرات دیگر توسط مرحوم شریفی در کابل کمپوز و نشر گردید.

تا آن زمان نشریه‌ها اعم از مجلات و جراید و روزنامه‌ها به شکل تایپی یا قلمی نوشته می‌شد و به صورت عکسی در می‌آمد و افسیت می‌شد یا به شیوهٔ حرفی طبع می‌گردید. دکلمهٔ شعر و داستان هنری بود که احمدضیا شریفی نخستین‌بار در هنر و ادبیات رادیو افغانستان آن را به تجربه گرفت و مورد استقبال شنودگان واقع شد، طوری که آواز و کارش رضایت مسوولان ادارهٔ هنر و ادبیات رادیو افغانستان را فراهم آورده بود. او به حیث پردیوسر و نویسندهٔ چند برنامهٔ ادبی رادیو افغانستان کارهای بسیار پرازش از طریق نشرات رادیو انجام داده است.

نوشته‌های وی بیشتر سیاسی و اجتماعی بود و در عین زمان رنگ ادبی داشت. او باری نوشتهٔ سیاسی را زیر عنوان کجا‌دانند حال ما سبک‌باران منزل‌ها که مصراعی را حافظ است، نشر کرده بود که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. او به تحصیل علاقهٔ فراوان داشت. زیاد مطالعه می‌کرد. می‌خواست همیشه با دانش نو مجهز باشد. او لیسهٔ مسلکی تجارت را خوانده بود. تحصیلات دورهٔ لیسانس را در بخش شبانهٔ پوهنتون کابل به درجهٔ اعلی به پایان رساند. به صورت آنلاین از مالیزیا ماستری گرفت. او برای دریافت ماستری دوم بار دیگر امسال در پروگرام ماستری این‌سینا در بخش روابط بین‌الملل ثبت نام کرد که سمستر اول را با نمرات بلند به پایان رساند، اما مرگ نابه‌هنگام مجال دوام تحصیل دورهٔ ماستری دوم را به وی نداد.

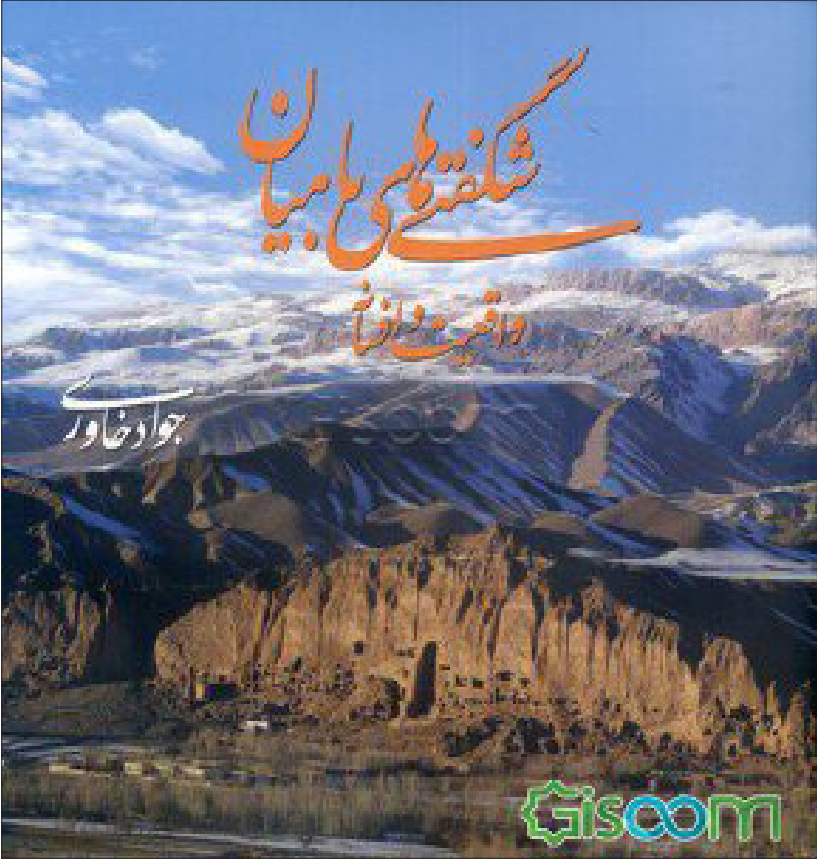
که تحت عناوین مختلف شاهد غارت و چپاول آثار باستانی منطقه‌شان بوده‌اند، تا محرومیت و بیامکاناتی محض این مناطق.»

وقتی وارد روستایی می‌شدیم، مردم خیال می‌کردند که آمده‌ایم به مشکلاتشان رسیدگی کنیم.... دیدم چند زن که پیشاپیش‌شان یک مرد بود، به طرف ما می‌آیند. مرد خود را به سرعت رساند و گفت: داکتر صاحب! این زنها همه مریضند. به ما دوا بدهید. با شرمندگی گفتیم: من داکتر نیستم. زنها هم رسیدند و شروع کردند به تشریح دردهای خود. گفتند: چند وقت پیش هم موتر سفیدرنگی از اینجا عبور کرده بود که دواو داکتر داشت.

چه قدر شرمنده بودم که هیچ کاری برایشان نمی‌توانستم بکنم.

«ص ۱۱)

و نتیجه کار، سفری پر از غم و شادی است در تاریخ و جغرافیای بامیان و دیدن آثار تاریخی و مناظر طبیعی آن. در کنار متن دلنشین، عکسهای بیشماري از بناها، آثار، مرایا و مناظر بامیان



● در روزهای گذشته کابل شاهد چندین

روز بارش باران و برف بود. اولین باران دیرهنگام پاییزی که با بارش برف نیز همراه شد و به چشم انتظاری و نگرانی پایتخت‌نشینان به‌خاطر آلودگی هوا پایان داد. هر چند دلخوش بودن به این باران‌ها برای بی‌اثر کردن آلودگی هوا مقداری خوش‌بینانه است اما با توجه به پیش‌بینی‌ها در مورد شدیدتر بودن آلودگی نسبت به سال‌های پیش این باران چند روزه تا حدودی باعث آرامش ذهنی شهروندان شد.

افسوس که مسایل شهری در پایتخت ما به قدری پیچیده هستند که به محض سامان یافتن (آن‌هم به صورت موقت) از موضوعی گرفتار مشکلی چه بسا سخت‌تر و عجیب‌تر از مشکل قبلی می‌شویم! در حالی‌که بارش باران موجی از خوشحالی و شور و شعف را

یادداشت

یک قصه از هزاران

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست

در باغ لاله روید و در شوره زار خس!

● **فرح آرین**

اما اشکال کار در کجاست؟

تعداد زیادی از شهروندان کابل با پست کردن عکسها و متنهای طنز در مورد شهردار کابل و معابر آب‌گرفته به انتقاد از عملکرد شهرداری پرداخته و مقامات را به خاطر وضعیت موجود سرزنش می‌کنند. در این که شهرداری مسوول نابه‌سامانی های شهری است شکی نیست اما آیا مردم نیز به نقش خودشان در این مشکلات آگاهی دارند؟ یکی از مضلات بزرگ شهری در کابل این است که مسوولیت‌پذیری به صورت فردی هرگز ایجاد نشده است. همه انتظار دارند بقیه قوانین را رعایت کنند و خودشان به صورت ویژه از مزایای یک جامعهٔ پیشرفته و فرهنگی استفاده کنند اما خودشان هر کاری که دوست داشتند انجام بدهند و گردی به دامان بی‌خیالی و بی مسوولیتیشان ننشیند.



یکی از اصول اولیه و بدیهی در شهرنشینی تمیز نگه داشتن محیط و دور نگه داشتن جوی‌ها از زباله است. اما گویا همشهریان عزیز ما نه تنها این نکته را نمی‌دانند (یا خود را به ندانستن می‌زنند) بل از جوی‌ها و رودخانه کابل به عنوان یک سطل زباله عظیم و خدادادی استفاده می‌کنند. انگار نه انگار که رودخانه‌ها در همه جهان از مظاهر زیبایی و جذابیت و حتی علت اصلی آبادانی شهر است. روزانه صدها نفر را در حال ریختن زباله در خیابان و جوی و رودخانه می‌بینیم. شاید این مساله آنقدر عادی باشد که کسی حتی به آن فکر هم نکند.

در تابستان همین زباله ها چنان بوی نامطبوعی در جویهای کابل ایجاد میکنند که لذت پیاده روی در سرک‌ها و کوچه ها را به نعمت تبدیل میکنند و باید عطای راه رفتن در یک فضای متعفن را به لقای آن بخشید. کوتاه سخن اینکه ما و کشور ما مشکلات فراوان داریم اما فکر می‌کنم بزرگترین مشکل ما این است که چشم بر کوتهای‌های فرهنگی بسته‌ایم و فکر می‌کنیم راه حل ایرادهای جامعه ما فقط برون فکنی و انداختن تقصیر به گردن دیگران است.

در کتاب گنجانده شده است.

عکس‌هایی که گزارش را به نسبت تکمیل می‌کنند و دلیل انتخاب شدن کاغذ گلاسه برای کتاب از سوی ناشر

نیز فراوانی و اهمیت عکس‌هاست. البته کیفیت همه عکس‌های کتاب یکدست نیست و تعداد قابل توجهی از آنها کیفیتی را ندارند که بایستهٔپژوهشی چنین ارجمنداست.

مشکل دیگری که در این کتاب به چشم می‌خورد، انجام نشدن ویرایشی دقیق است. چنانچه در شناسنامه کتاب هم نامی از ویراستار وجود ندارد. از این رهگذار، مشکلاتی کم و بیش در ساختار فنی متن به‌خصوص در رعایت یکسانی فاصله‌ها و نیم‌فاصله‌ها ایجاد شده که امید است در چاپ‌های بعدی رفع شود. «کتاب شگفتیهایی بامیان» کتابی خواندنی و دیدنی است؛ کاری که مشابه آن درباره میراث فرهنگی افغانستان انجام نشده است. نثری روان و جذاب دارد.

خاوری در قسمت‌هایی که افسانه‌های مردمی را روایت می‌کند، تا جایی که امانتداری کلام اجازه داده، از تعلیق‌ها و فضاسازی‌های داستانی هم به خوبی استفاده کرده است. این کتاب، اثری بارزبز در دامان تمدن بامیان است؛ بخشی از همان تمدن که شکوه گذشته و وضع حالش را ضبط و به آیندگان منتقل می‌کند.

«در شمال پنجاب، بین یکپولنگ و پنجاب، کوهی است که به کوه عروس معروف است. بر قله این کوه، سنگ‌های منارمانندی است که از دور می‌توان به شکل آدم‌های ایستاده تخیل کرد. به همین خاطر، مردم آن‌ها

را تعدادی زن تخیل کرده‌اند و بر مبنای آن افسانه ساخته‌اند.

طبق آن افسانه، آن سنگ‌ها تعدادی زن بوده‌اند که در یک مراسم عروسی،

عروس را به خانه

داماد می‌بردند، اما در بین راه، تعدادی راهزن سر راه آنها را می‌گیرند و...» (ص

۲۵۹)

بازار داغ تحلیل‌های آبکی!

بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی، همه را تحلیلگر مسایل کرده است

● **ارزو محمدی**

● هر روز از خانه که بیرون می‌شویم، در تکسی، سر وظیفه، در مهمانی‌ها، فیس‌بوک و سایر اماکنی که به‌طور روزمره با آن‌ها سر و کار داریم، بحث‌های داغ سیاسی جریان دارد.

افراد، فرقی ندارد که از کدام قشر جامعه باشند، مشغول تحلیل موضوعات سیاسی و اکثراً نقد کارکردهای دولت و سیاستون هستند. اکنون سوال اینجاست که چه موضوعی سبب شده تا در تجمعات، همیشه بحث‌ها به سمت مسایل سیاسی کشیده شود؟

زندگی روزمرهٔ مردم در افغانستان، دایما با بی‌ثباتی و تغییرات غیرمنتظره و تهدیدآمیز روبه‌روست و وقتی مردم در مورد زندگی خود با احساس ناامنی و عدم اطمینان روبرو باشند، طبیعی است که به

● **زندگی روزمرهٔ مردم**

در افغانستان، دایما با

بی‌ثباتی و تغییرات

غیرمنتظره و تهدیدآمیز

روبه‌روست و وقتی مردم

در مورد زندگی خود با

احساس ناامنی و عدم

اطمینان روبرو باشند،

طبیعی است که به دلیل

نگرانی دایم در پی علت

آن و چگونگی رفع علت

باشند.

به سوی جهانی بی‌رنگ

پیروزی بایدن و یار رنگین‌پوستش امیدها برای کم شدن نژادپرستی را جان تازه بخشیده است

● **الهه موسوی** جامعه شناس

● بعد از برگزاری انتخابات در امریکا، راه پیدا کردن اولین زن به کاخ

سفید (کاملا هریس) که سیاه‌پوست است، واکنش‌های بسیاری را در جهان به همراه داشت. او رکوردهای بسیاری را به نام خود در تاریخ امریکا ثبت نمود (اولین معاون اول زن، عالی‌رتبه‌ترین سیاست‌مدار زن و اولین معاون اول غیرسفیدپوست در تاریخ امریکا). قطعاً چنین اتفاقی باعث تضعیف مقولهٔ نژادپرستی خواهد شد. تیوری بدترکیبی که سالیان سال نه‌تنها کشور امریکا، بل اکثر کشورهای جهان را درگیر نموده است.

سراسر تاریخ بشر آکنده از نژادپرستی است. یونانیان باستان، هندیان و چینی‌ها علی‌رغم خدمات زیادی که به بشریت کرده‌اند، در پست شمردن نژادهای دیگر، سابقهٔ زیادی دارند. نژادپرستی نقش عمده‌یی در تاریخ معاصر امریکا بازی کرده است. مردم سفیدپوست امریکا، نژادپرستی را به مثابه توجیهی برای برده‌داری و یا تحقیر سیاه‌پوستان به کار می‌برند. اغلب در جامعه‌یی که نژادپرستی در آن رایج است، گروه مسلط، نژادپرستی را چنین توجیه می‌کند که اعضای گروه دیگر را لحاظ هوش پست‌ترند.

« نژادپرستی باوری است که بر حسب آن یک گروه نژادی، خود را برتر از گروه‌های نژادی دیگر می‌داند و یکی از قدرتمندترین و مخرب‌ترین اشکال تبعیض است.»

«فرهنگ علوم اجتماعی» نژادپرستی مدرن امروزی را به دوگوبینو نسبت داده و می‌نویسد: «این نظری رسمی است که مفهوم‌های عقلی معاصر آن را از نوشته دوگوبینو به نام «رساله‌یی دربارهٔ نژادهای انسانی» منتشره در ۱۸۵۳ سرچشمه می‌گیرد. مهم‌ترین شخص در انتقال این نظر به قرن بیستم هـ.س چمبرلن، سیاسی‌نویس آلمانی انگلیسی الاصل (۱۹۲۷-۱۸۵۵) می‌باشد. کنت ژوزف آرتور دوگوبینو که گاه «پدر نژادپرستی امروزی» نامیده شده، اندیشه‌هایی را مطرح کرد که در بسیاری از محافل علمی هم نفوذ پیدا کرد. بنابر نظر وی، سه



نژاد وجود دارد: سفید، سیاه و زرد. نژاد سفید از هوش، اخلاق و نیروی ارادهٔ برتری نسبت به نژادهای دیگر برخوردار است و این صفات موروثی، زیربنای گسترش نفوذ غرب در سراسر جهان را تشکیل می‌دهند.» « سیاهان کم‌استعدادترین این سه نژاد هستند و با طبیعت حیوانی، فقدان اخلاق و ناپایداری عاطفی مشخص می‌شوند. نژادپرستی چیزی بیش از تعصب نژادی است. اندیشه‌های دوگوبینو به‌عنوان نظریه‌های ظاهرا علمی مطرح گردید و حتی آدولف هیتلر را تحت تاثیر قرار داد و هیتلر این اندیشه‌ها را به‌عنوان بخشی از ایدیاالوژی حزب نازی مورد استفاده قرار داد. دلیل دیگر ظهور نژادپرستی، روابط استثمارگرانه‌یی است که اروپاییان با اقوام غیرسفیدپوست برقرار کردند.» کاربردهای نژادپرستی

از نژادپرستی هم‌چون سایر مفاهیم علوم انسانی، تعابیر مختلفی شده. آن‌گونه که تا آخر دههٔ ۱۹۶۰، نژادپرستی را به‌عنوان ایدیاالوژی و یا مجموعه‌یی از باورها تعریف می‌کردند. «عنصر اساسی این ایدیاالوژی آن بود که نژاد، تعیین‌کنندهٔ

متخصص فعال در رهبری احزاب سیاسی است.

این وضعیت غرب، حاصل دهه‌ها برنامه‌ریزی است که مستمرا صورت گرفته برای اینکه ثبات اقتصادی در جامعه ایجاد بشود و مردم معمولی سرشان به زندگی راحت خودشان گرم باشد. برای این است که در غرب سیاست کار حرفه‌یی‌ها و متخصصان شده و مردم عادی کاری با آن ندارند. در افغانستان اوضاع کاملاً برعکس است. احزاب سیاسی بی‌تجربه و فقط دنبال قدرت هستند. اقتصاد مملکت که تقریباً همیشه متشنج است و تورم و بیکاری بیداد می‌کند. تولیدات جامعه خیلی کم و ناچیز است در نتیجه بی‌ثباتی قیمت‌ها امری روزانه است و دایم مردم را با تنش و احساس ناامنی روبه‌رو می‌کند.

این تنش‌ها و احساس ناامنی باعث می‌شود، مردم همیشه نگران اوضاع جامعه و آیندهٔ خود باشند و در پی چاره‌جویی. در واقع، مردم از موضوعاتی بیشتر سخن می‌گویند که دغدغهٔ همیشگی آن‌هاست... و خود حدیث مفصل خوان ازین مجمل...

ولی ناکارآمدی سیاسی محض نمی‌تواند دلیل کافی برای تبادلهٔ بحث‌های سیاسی باشد.علت دیگر، رشد و آگاهی مردم است. در کشورهای عربی تا چند وقت پیش هیچ کاری به سیاست نداشتند و حاکمان فاسد هر کاری که می‌خواستند انجام می‌دادند. ولی حالا که مردم آگاه شدند، همه سر از کار سیاست درمی‌آورند و حاکمان به علل رشد فرهنگ سیاسی مردم مثل قبل کمتر می‌توانند، یکه تازی کنند. لذا یکی از دلایل ورود مردم کشور به سیاست ناشی از رشد و آگاهی آنان در سال‌های اخیر بوده است.

در جامعه‌یی که ما زندگی می‌کنیم، سیاست نقش اصلی و جهت‌دهنده را دارد، وقتی نان شب و روز مردم به سیاست و عملکرد سیاستون گره خورده، اساس زندگی مردم را مسایل سیاسی تشکیل می‌دهد.

در واقع دلایل اصلی مردم دربارهٔ سهم‌گیری در بحث‌های سیاسی را می‌توان چنین برشمرد:

فرهنگ است و ادعای برتری نژادی نیز از همین اندیشه ناشی شد.

از نگاه دیگر، این واژه معنای گسترده‌تری یافت که شامل رویه‌ها و نگرش‌ها، علاوه بر باورها نیز می‌شد. نژادپرستی در این معنا به تمام عواملی اشاره دارد که موجب تبعیض نژادی می‌شود و گاهی اوقات با مسامحه، عواملی را شامل می‌شود که محرومیت نژادی ایجاد می‌کند.»

سومین کاربرد وسیع نژادپرستی در نوشته‌های آکادمیک است که نژادپرستی را در همه گروه‌بندی‌های غیرزبستی، نظیر فرقه‌های مذهبی، ملت‌ها، گروه‌های زبانی و گروه‌های فرهنگی مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین، می‌توان آن را شکل فوق‌العاده کینه‌توزانه از قوم‌مداری تلقی کرد. چهارمین کاربرد نژادپرستی، استعمال آن در رنگ پوست است که دوگوبینو آن را بنیان نهاد.

نژاد، محدود به تفاوت رنگ پوست نبود، بلکه نژادپرستی، مدعی نوعی رابطهٔ جبری بین گروه و خصوصیات فرضی آن گروه است. چنین برداشتی از نژادپرستی کاربرد آن را وسعت می‌بخشد، تا جایی که نقش آن را از لحاظ تحلیلی متکثر می‌کند. «به عنوان مثال حذف زنان از دامنهٔ وسیعی



ذهن آزمایی

۱۵. تکواژ وابسته‌یی که در ابتدای کلمه می‌چسبد-پایتخت ایتالیا-شب

حل جدول شماره قبل

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ل	و	گ	ر	س	ی	م	ل	ط	ی	ق				
۲	ح	ا	ب	م	ر	ت	گ	و	ز	ی	ن				
۳	ی	د	ر	ا	و	ا	م	ر	ل	ی	ن				
۴	م	ا	ی	ب	ن	د	ا	م	ی	ر	د	ی	گ		
۵	ا	خ	ص	ی	د	ب	ب	ا	د	ر	ا				
۶	س	ت	م	م	ن	ا	ی	ا	س	م	ر	ه			
۷	م	ر	ن	ک	ی	ک	ن	ن	ی	ا					
۸	ر	ا	م	ن	ب	ب	ا	ب	ق	و	م	ر			
۹				ا	ب	ر	ت	ش	و	ر	م				
۱۰	س	ی	ر	ر	و	د	ب	ا	ل	ک	ل	ب			
۱۱	ا	ن	ا	ت	ز	ب	م	ب	ی	ن	ا				
۱۲	ل	ش	ک	ر	ی	ش	ک	ر	س	ا	د	گ			
۱۳	ن	ت	و	ا	ر	ت	د	و	ر	ج	د				
۱۴	گ	ی	ل	ا	س	م	ی	ر	د	ا	ل	ا	ن		
۱۵	ن	ی	ز	ش	ه	ا	د	ت	ن	ا	ن				

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱															
۲															
۳															
۴															
۵															
۶															
۷															
۸															
۹															
۱۰															
۱۱															
۱۲															
۱۳															
۱۴															
۱۵															

- سریع به انگلیسی- مایهٔ حیات-جمع بانو
- راحت-هم-سطح
- جدید-بالارفتن دمای بدن-عدد-اگر-ضمیر اجتماعی
- غذایی سنی افغانستان متشکل از حبوبات-هرچیزی که در میان واقع می‌گردد-مهمترین
- دریایی که از کوه‌های مرکزی افغانستان سرچشمه می‌گیرد- محل عبور خون در بدن- حرف ندا
- افزودن در لسان کمپیوتر- روزگار- غیرممکن- علامت مفعول جمله
- بلی به انگلیسی با ی اضافه- جانور درنده
- مکانی تاریخی در هلمند- ماهانه
- ساختمان- همان تو را است
- اثر و نشان- لفظ دیگری از آموزگار- مخفف امیر- جدال
- کل- رابطه‌یی به شدت نهی شده در اسلام- خیر- کشتی جنگی
- جوهر مرد- میوهٔ بهشتی- تظاهر به نیکی
- و از- اندک- همان ریگ- عامیانهٔ آب- همتای مرد
- برآمده- منطقه‌یی در ولسوالی خوات (غزنی)

- سومین شهر پرجمعیت افغانستان-بابا درویش (محلی در بدخشان)
- مقابل خارج- بلند
- پسوند شباهت فارسی- گل و ...- کمیاب- باده
- امتحان- سرخ به انگلیسی- همان کندز است- امر به کوشش کردن
- نام مستعار او بهلول بود
- اشاره به دور- نام پیامبری که در قرآن ذکر شده- حرف انتخاب- ریشه
- نوعی خاک- پنهان‌کننده- اگر
- بیت آخر غزل- ماه
- مخفف ماه- بازسازی- بالابر موتر
- آوای حسرت- همان ره است- منسوب به ارومستان- مقدار ناچیز
- به مصلی‌های هرات می‌گویند
- خطی که دایره را به دو قسمت نامساوی تقسیم کند- عشق انگلیسی - بزرگترین موجود آبی‌زی
- دو الف- جهت انتخاب داده می‌شود- جنس مذکر- شهری مذهبی در قدیم
- دور کردن- روا
- شهری تاریخی در ناحیهٔ مرکزی افغانستان- منسوب به پروان

سال نهم ● شماره ۶۴۲

● سه‌شنبه ۲۷ عقرب ۱۳۹۹

۱. کمبود شدید برنامه‌ها و مراکز تفریحی،

۲. فقر و گرانی اجناس،

۳. کیفیت بد اجناس وارداتی و عدم خودکفایی اقتصادی،

۴. سرگرم نمودن مردم توسط احزاب سیاسی از طریق انترنت و شبکه‌های اجتماعی،

۵. نگرانی مردم از وضعیت حال و آیندهٔ سیاسی و امنیتی کشور،

۶. سیاسی عمل نمودن رسانه‌های جمعی به ویژه در بخش خبرها،

۷. نگرانی مردم از وضعیت شغلی‌شان،

۸. بی‌نظمی در امور مختلف کشور و در نتیجه ربط داده شدن صحیح و ناصحیح همه امور به سیاست .

نتیجه

وقتی صبح که از خواب بیدار می‌شویم، آن قدر در رسانه‌ها مسایل سیاسی مطرح می‌شود که به سسته می‌آییم. از طرفی نپرداختن شبکه‌ها و رسانه‌ها به مسایل سیاسی باعث شک و نگرانی می‌گردد که سیاستیون چه می‌کنند که خبری

از آنان نیست؟

علل‌های بی‌شماری را می‌توان در ارتباط با تمایل مردم به پرداختن به مسایل سیاسی برشمرد، اما مهم‌ترین نتیجه‌یی که می‌توان از این موضوع برداشت کرد، این است که تعداد تحصیل‌کردگان در جامعه در سال‌های اخیر افزایش یافته، میزان تحصیلات بیشتر شده و روز به روز افراد جامعه آگاه‌تر بر امور سیاسی می‌گردند و زمانی که خود را در برابر سیاستی کج‌گونه با مدیرانی کم‌تجربه می‌بینند، اجازهٔ دخالت در امور سیاسی را به خود می‌دهند. در آخر اینکه دخالت سیاست در زندگی روزمرهٔ مردم، آنان را ناچار به صحبت سلسله‌وار در مباحث سیاسی می‌کند. به امید آن روز که در عین اینکه مردم از سواد سیاسی بالایی برخوردار باشند، آن قدر به سیاست‌مداران اطمینان داشته باشند که دیگر شاهد نیاز به بحث سیاسی در بین مردم نباشیم و هرکس در حیطهٔ مشغلهٔ خود تفکر نماید.

از فعالیت‌ها، غالباً با نسبت دادن جبری چنین خصوصیات فرض‌شده‌یی مانند: ضعف جسمانی زنان یا احساساتی بودن آن‌ها توجیه می‌شود.»

● **پیامدهای نژادپرستی**

اگر اروپاییان معتقد نبودند که سیاهان نژادی پست‌تر هستند، شاید هیچ‌گاه، تجارت برده وجود نمی‌داشت. نژادپرستی به توجیه حکومت استعماری بر اقوام غیرسفیدپوست و انکار حق مشارکت سیاسی برای آن‌ها، کمک می‌کرد. برای مثال در امریکای شمالی حتی سیاهان را پست‌تر از سرخ‌پوستان می‌دانستند؛ این در حالی است که سرخ‌پوستان را غیرمتمدن در نظر می‌گرفتند و اصطلاح **نژاد پست** را در موردشان به کار نمی‌بردند.

«گر چه امروزه به دلیل مبارزات مساوات‌طلبانهٔ اجتماعی و بالارفتن سطح فرهنگ و آگاهی مردم، نژادپرستی تقلیل چشم‌گیری یافته، اما هنوز به صورت‌های پنهان و آشکار (در سراسر جهان، به ویژه کشورهای صنعتی پیشرفته) باعث تحقیر و پست شمردن گروه‌های نژادی غیر سفیدپوست می‌شود و آن‌ها را از مزایا و فرصت‌های اجتماعی محروم می‌کند.»

● **سخن آخر**

پس از قتل «جورج فلوید» شهروند سیاه‌پوست، به دست پلیس امریکا و آغاز اعتراضات گسترده و سراسری در این کشور، درخواست‌ها از «بایدن» نامزد ریاست جمهوری ایالات متحده، برای انتخاب یک زن سیاه‌پوست به‌عنوان شریک انتخاباتاتی بیش‌تر شد. «هریس» عملاً تنها گزینهٔ افریقایی- امریکایی‌یی بود که تجربیات لازم برای عهده‌داری معاون اولی را داشت.

«بایدن» رئیس جمهور منتخب مردم با انتخاب «کاملا هریس» به‌عنوان معاون اولش در روزهایی که اعتراضات گسترده در امریکا علیه نژادپرستی جریان داشت، نشان داد که علیه این تبعیضات نژادی و جنسیتی ایستادگی کرده، چنانچه او در زمان اعتراضات همراه با ماسک سیاه که نشانهٔ مخالفت با نژادپرستی بود حاضر می‌گردید تا مردم نیز به برابری و تحقق عدالت توسط وی باورمند گردند.

هر چند انتخاب « کاملا هریس» در روند پیروزی وی بسیار تاثیرگذار بود و به باور بسیاری یک پلان سیاسی محسوب می‌شد، اما باز هم این انتخاب می‌تواند نقطه عطفی باشد برای از بین بردن گذشته‌گرایی سفیدپوستان و مردانی که خود را در طول تاریخ امریکا نژادی برتر و جنسیتی داناتر می‌دانستند.

منابع:

کوئن، بروس؛ مبانی جامعه‌شناسی، غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۰، ص۳۴۹.

عضدانلو، حمید؛ آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران، نی، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص۶۱۴.

خستگی ناپذیران کوچک!

آیا کودکان با این همه تحرک، باز هم به ورزش احتیاج دارند؟

•گردآورنده: نجمه رسا

● شما هم به این نکته توجه کرده‌اید که انگار انرژی کودکان تمام‌شدنی نیست؟ حتی وقتی از مکتب به خانه می‌آیند باز هم خوش دارند که برآیند و برای بازی با کودکان دیگر بروند. از کجا می‌توان متوجه شد کودکان بیش از حد فعالیت می‌کنند یا خیر؟

والدین اغلب بر این باورند که کودکشان به اندازه کافی در مکتب و بیرون از خانه، فعالیت فیزیکی داشته و وقتی به خانه می‌آید دیگر وقت آرام گرفتنش است. برای همین از آن‌ها انتظار دارند که در آرامش به انجام کارهای خانگی بپردازند و سروصدا نکنند، اما حقیقت ماجرا چیست؟

بیشتر کودکان به‌اندازه کافی فعالیت فیزیکی ندارند. برنامه‌های ورزش مکتب بسیار محدود و وقفه‌های بین درس‌ها بسیار کوتاه است. کودکان در حالی به خانه برمی‌گردند که اصلا برای فعالیت بدنی فرصت نداشته‌اند.

فعالیت‌های ورزشی یک راه عالی هستند تا فرزندان ما هم به اندازهٔ کافی تحرک داشته باشند و هم به شکوفایی اجتماعی برسند. فعالیت‌های ورزشی چالش‌برانگیز و هیجان‌انگیز هستند و کودکان درس‌های ارزشمندی که

در اجتماع لازم است مثل پیروی از قوانین و پاسخگویی به دیگران در زندگی را یاد خواهند گرفت.

اما میزان و نوع فعالیت‌های ورزشی مناسب برای بچه‌ها، به سن، علاقه و آمادگی آن‌ها بستگی دارد. باید بدانیم ورزش کردن یک کودک کم سن و سال با کودکی که بزرگ‌تر است باید متفاوت باشد که هر دو علاوه بر اینکه از صحت و سلامتی برخوردار می‌شوند از ورزش لذت هم ببرند و ورزش را برای همیشه ادامه دهند.

حال با توجه به این مسایل کودک خود را برای ورزش کردن تشویق کنید.

***حداقل ۶۰ دقیقه در روز**

طبق دستورالعمل‌های مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌ها در آمریکا، کودکانی ۶ سال به بالا باید حداقل یک ساعت در روز فعالیت ورزشی داشته باشند. اگر به نظر‌تان این زمان زیاد است، فراموش نکنید که لزومی ندارد این یک ساعت بدون

ورزش‌های هوازی

بخش عمده ۶۰ دقیقه زمان ورزش کودکان باید شامل ورزش‌های هوازی یا فعالیت‌هایی باشد که قلب و شش‌ها را به فعالیت بیشتر وامی‌دارد. فعالیت‌هایی مثل پیاده‌روی تا مکتب،



وقفه باشد.

به گفته بلیز نِمت (Blaise Nemeth)، پزشک و عضو انجمن پزشکان اطفال در شاخه پزشکی ورزشی و تناسب‌اندام، «در بیشتر کشورها توصیه می‌کنند کودکان روزانه ۳ ساعت یا تقریباً ۱۵ دقیقه در هر ساعت، یا در همین حدود تا وقتی بیدار هستند، فعالیت بدنی داشته باشند. انجام این دستورالعمل برای همه کودکان منطقی است.»

بهتر است کودکان را تشویق کنید در هر ساعت حداقل چند دقیقه بلند شوند و حرکتی به بدن‌شان بدهند. به نقل از نمت، کودکان نسبت به بزرگ‌سالان زودتر متمرکز و در نتیجه سریع‌تر فعال می‌شوند.

***سه نوع ورزش مناسب**

کودکان نیز درست مثل بزرگ‌سالان، باید برای حفظ سلامتی و آسیب ندیدن، ورزش‌های متعدد انجام دهند.

خبرهای ورزشی

خداحافظی یک ستاره از دنیای فوتبال

خاویر ماسکرانو پس از ۱۷ سال از دنیای فوتبال خداحافظی کرد

● ماسکرانو به مدت ۳ فصل در لیورپول بازی کرد و پس از آن ۸ سال نیز در بارسلونا بازی کرد. این ستاره آرژانتینی با حضور در باشگاه‌های لیورپول و بارسلونا به اوج رسید و توانست به یکی از برترین بازیکنان در آن زمان بدل شود.

او در دوران فعالیت فوتبالی خود در به دست آوردن ۲۱ قهرمانی سهمیم بود که مهم‌ترین آن‌ها ۲ لیگ قهرمانان اروپا و ۵ لالیگا با بارسلونا بوده است. ماسکرانو در بارسلونا توانست به ۱۹ قهرمانی دست پیدا کند.

بارسلونا در پیام خداحافظی برای ماسکرانو نوشت: ممنونیم از تو به خاطر میراثی که در دنیای فوتبال باقی گذاشتی. مخصوصا کارهایی که در بارسلونا کردی. تو تا ابد یکی از ما هستی.

او در تیم ملی آرژانتین نیز به یکی از بازیکنان مهم بدل شد و توانست با این تیم به نایب قهرمان جام جهانی ۲۰۱۴ بدل شود. او در المپیک ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ نیز توانست با آرژانتین به قهرمانی دنیا دست یابد.



هری کین: انگلیس فقط با بدشانشی باخت

● هری کین ادعا می‌کند که انگلیس با وجود شکست ۰-۲ مقابل بلجیم، حاکم میدان بوده و سزاوار باخت نبود. علت شکستش در این بازی نیز بدشانشی بوده است.

تیم ملی انگلیس در خانه بلجیم به مصاف این تیم رفت و با شکست ۰-۲ در این بازی به کار خود پایان داد تا کارش در مرحله گروهی لیگ



ملت‌های یوفا عملاً به پایان برسد، اما کاپیتان انگلیس هری کین در پایان بازی به خبرنگاران گفت تیمش در این بازی به هیچ وجه مستحق باخت نبوده چون در طول مسابقه حاکم میدان بوده و تنها دلیل شکست‌شان بدشانشی بوده است.

گل‌های یوری تیلمانز و دریس مرتنز باعث شکست انگلیس شدند. به این ترتیب انگلیس قادر به حضور در فینال لیگ ملت‌ها در سال آینده نیست و بلجیم یا دانمارک، به‌عنوان صدرنشین این گروه صعود خواهند کرد.

هری کین در پایان بازی گفت: «ما حاکم میدان بودیم. دو گلی که خوردیم کاملاً بدشانشی بود. هر دو گل با بدبیاری وارد دروازه ما شد. ما در این بازی نکات مثبت زیادی داشتیم که این باعث می‌شود اعتماد به نفس مان برای آینده بیشتر بشود. اگر در آینده مثل این مسابقه بازی کنیم شک ندارم که بیشتر بازی‌هایمان را خواهیم برد.» کاپیتان انگلیس در ادامه گفت: «ما مدت‌هاست یک جام بزرگ بدست نیاورده‌ایم و این برایمان ناراحت‌کننده است، ولی با این تیمی که داریم و با بازیکنانی که الان در تیم ملی هستند باید به خودمان و به این تیم باور و اعتماد کامل داشته باشیم.»

وارز: با مسی درباره فوتبال صحبت نمی‌کنم!

● لوئیس سوارز می‌گوید پس از جدایی از بارسلونا با لیونل مسی درباره مسایل زندگی صحبت می‌کند نه درباره فوتبال

لوئیس سوارز ستاره اروگوئه‌یی می‌گوید با وجود جدایی از بارسلونا و پیوستن به اتلتیکو مادرید، ارتباطش را با دوست صمیمی خود لیونل مسی حفظ کرده و این دو همچنان مدت‌های طولانی با هم صحبت می‌کنند.



اما آن‌ها حالا ترجیح می‌دهند در صحبت‌های خود راجع به فوتبال چیزی نگویند و از مسایل مختلف زندگی حرف بزنند.

باشگاه بارسلونا امسال تابستان اجازه داد لوئیس سوارز بعد از سال‌های درخشش در این تیم راهی اتلتیکو مادرید شود. انتقالی که با انتقاد دوست صمیمی او لیونل مسی همراه شد. بازی کردن در دو تیم رقیب اما باعث قطع ارتباط این دو دوست نشده است.

فکر می‌کنید زیاده‌روی است؟ نگران نباشید، بیشتر ورزش‌ها به بیش از یکی از این سه گروه تعلق دارند، بنابراین گنجاندن این ورزش‌ها در فعالیت‌های هر روزه فرزندان کار سختی نیست .

***خستگی ناشی از ورزش در کودکان**

نمت می‌گوید کودکان غالباً خودشان از سطح انرژی‌شان خبر دارند: «اگر به کودکان اجازه بدهید تا حدی که بدن‌شان به آن‌ها می‌گوید ورزش کنند، بعید می‌دانم بخواهند بیش از حد فعالیت کنند.» مشکل زمانی پدیدار می‌شود که کودکانی بزرگ‌تر به سراغ برنامه‌های آموزشی برای ورزش‌های سازمان‌یافته می‌روند. نمت می‌گوید: «میزان رشد کودکان با هم متفاوت است، بعضی کودکان قادرند بیش از دیگر کودکان فعالیت داشته باشند. وقتی نیرویی از بیرون، مانند مربی، درگیر فعالیت کودکان می‌شود، والدین باید مطمئن شوند فرزندان‌شان هنوز هم از ورزش لذت می‌برند و احساس خوبی دارند.» اگر فرزند شما خسته شده یا آسیب دیده و نمی‌تواند پس از فعالیت‌های ورزشی، دوباره انرژی‌ش را به دست آورد، ممکن است میزان تمرین‌ها برای او بیش از حد توانش باشد. شاید کودک علاقه‌اش را به فعالیت‌هایی که زمانی از انجام آن لذت می‌برد از دست بدهد، و این خود، یکی دیگر از نشانه‌های خستگی ناشی از ورزش است.

از فرزندان بخواهید در طول سال ورزش‌های مختلف را امتحان کند و در روزهایی که تمرین ندارد، فعالیت‌های دیگری انجام دهد، به این ترتیب آن‌ها را هم از نظر ذهنی و هم از نظر

فیزیکی سالم نگه می‌دارید.

نمت همچنین می‌گوید کودکان نباید در هفته بیش از یک ساعت به‌ازای سن خود، به فعالیت‌های ورزشی منظم بپردازند. برای مثال نوجوانی ۱۲ساله نباید بیش از ۱۲ ساعت در هفته تمرین فوتبال داشته باشد.

اگر از این حد فراتر رود، احتمال آسیب‌دیدگی زیاد می‌شود. ورزشکاران جوانی که هر هفته دو برابر این مقدار تمرین می‌کنند بیشتر صدمه می‌بینند، به‌خصوص اگر فقط روی یک ورزش تمرکز کنند و فعالیت‌های جانبی را کنار بگذارند. دوبروسیلسکی، کارشناس ورزشی می‌گوید: «بسیار مهم است کودکانی که به‌طور جدی ورزش می‌کنند، حداقل یک روز در هفته، استراحت داشته باشند. می‌توانند در این روزها نیز فعالیت داشته باشند، اما نباید خود را خسته کنند و به خود فشار بیاورند. یک روز استراحت پس از ورزش مرتب، به همراه خواب کافی و تغذیه سالم، به این کودکانی سخت‌کوش کمک می‌کند از صدمات ورزشی در امان باشند.»

برگزاری نشست فعالان زن دربارهٔ صلح افغانستان در دبی

که صلح باثبات بدون اشتراک گستردهٔ زنان ممکن نخواهد بود. همچنین سمیرا حمیدی؛ عضو سازمان عفو بین‌الملل نیز بر سهم بیش‌تر زنان در روند صلح تاکید کرد و اظهار داشت که زنان در حال حاضر در خلا اطلاعاتی قرار دارند و جزییات مذاکرات صلح با آن‌ها شریک نمی‌شود.

مسعوده کروخیل؛ از برگزارکنندگان این نشست می‌گوید که در روزهای آینده در مورد نقش زنان در روند صلح رایزنی خواهند کرد.

این نشست در حالی برگزار می‌شود که از آغاز مذاکرات صلح دوحه میان هیات دولت و طالبان دو ماه می‌گذرد، اما تاکنون این هیات روی طرزالعمل این مذاکرات به توافق نرسیده‌اند.

فوزیه کوفی از اعضای هیات مذاکره‌کنندهٔ دولت گفته بود: دردناک این است که مذاکرات صلح به نتیجه نرسد و خشونت‌ها نیز در افغانستان افزایش پیدا کند.

زنان افغان نگران احیای سیاست‌های ضد زن در صورت بازگشت طالبان به قدرت هستند. در زمان سلطهٔ رژیم طالبان، زنان از آموزش، کار و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی محروم بودند.



- راه مدنیّت: نشست پنج روزه‌یی در مورد صلح افغانستان با اشتراک فعالان حقوق زن در شهر دبی امارات متحده آغاز شد. این نشست با حضور ۵۵ زن از افغانستان، امریکا و اروپا برگزار و بر افزایش حضور پررنگ زنان در روند مذاکرات صلح بین‌الافغانی تاکید کردند.
- نخستین روز این نشست روز۲۵عقرب بود.
- سیما سمر، وزیر دولت در امور حقوق بشر و امور بین‌الملل گفته

انفجار ماین، شش سرباز محافظت خط آهن هرات-خواف را زخمی کرد

در عین حال، محمدرقیق شیرزی، سخنگوی صحت عامه هرات با تایید این رویداد به رسانه‌ها گفت که هفت زخمی از این انفجار به شفاخانهٔ مرکزی هرات منتقل شده‌اند. وی اذعان داشت که تمام زخمیان این حادثه نظامی‌اند. هنوز مسوولیت این رویداد را شخص و یا گروه خاصی به عهده نگرفته است.

خط آهن هرات-خواف، در چهار قطعه به طول ۱۹۱ کیلومتر ساخته می‌شود. ۷۷ کیلومتر این خط آهن، در داخل خاک ایران و ۱۱۴ کیلومتر دیگر آن در داخل خاک افغانستان است.

- راه مدنیّت: عتیق‌الله وثیق، سخنگوی فرماندهی پولیس هرات گفت که شش سرباز قطعه محافظت خط آهن هرات-خواف در نتیجهٔ انفجار ماین کنار جاده‌یی در مسیر شاهراه هرات-اسلام قلعه زخمی شده‌اند.
- آقای وثیق تصریح کرد که این رویداد حوالی ساعت ۱۰ قبل از چاشت دوشنبه (۲۶عقرب) در مسیر شاهراه هرات – اسلام‌قلعه رخ داده است.
- به گفتهٔ وی، زخمیان این رویداد به شفاخانهٔ مرکزی هرات منتقل شده‌اند.

مرگ ۱۵ بیمار کرونایی در ۲۴ساعت اخیر

کیت تشخیصه مواجه‌اند. براساس آمارهای دانشگاه جان هاپکینس تاکنون در جهان بیش از ۵۴,۸۲۸,۸۷۲ تن به کرونا مبتلا و ۱,۳۲۴,۶۳۴ تن دیگر جان باخته است. براساس آمارهای تایید شده، تاکنون ۳۸,۱۴۳,۷۰۴ فرد مبتلا به کرونا بهبود یافته است.



به گفتهٔ وزارت صحت، آمار مجموع مبتلایان به کرونا در کشور به ۴۳ هزار و ۶۶۸ نفر رسیده است. همچنین در ۲۴ ساعت گذشته ۱۵ فرد مبتلا به کرونا جان داده و شمار قربانیان این مرض در کشور به یک هزار و ۶۳۲ تن رسیده است. براساس معلومات وزارت صحت عامه با ۴۴ فرد بهبود یافته، مجموع بهبودیافتگان به ۳۵ هزار و ۱۳۶ تن رسیده است. این در حالی است که چندی پیش، سرپرست وزارت صحت عامه گفته بود، با شروع فصل سرما ما آمادگی موج کرونا را می‌گیریم. در عین حال با گسترش شیوع کرونا، شماری از ولایات با کمبود

مسوولیت مهار فساد اداری کابل به معاون اول سپرده شد



سرعت در حالت انکشاف است». او می‌گوید: «به اساس اعتراف‌های عادل (فرد) دستگیر شده به اتهام حمله بردانشگاه کابل) آن‌ها ده روز قبل از حمله، دانشگاه را بررسی کرده بودند. متوجه شدند که آدم‌های با سر و وضع شهری و بهتر در دروازهٔ ورودی مورد شک قرار نمی‌گیرند و تلاشی جدی نمی‌شوند. به همین دلیل آن‌ها با پوشیدن لباس‌های هم‌نوع با محصلان شیک‌پوش یکی پی دیگر داخل می‌شوند و بیک‌های شان نیز تلاشی نمی‌شود». آقای صالح تاکید کرد: «اکنون هویت انتحارکننده‌ها نیز افشا شده که در یکی دو روز بعد برای ملت افغانستان معلوم خواهیم ساخت. خانوادهٔ شخص انتحارکننده زیر نظارت ریاست

عمومی امنیت ملی قرار دارد». همچنین آقای صالح بیان داشت: «به دوتا مرکز تدریس دینی در منطقهٔ بگرامی که زیر پوشش مدرسه در این اواخر تبلیغ برای طالب می‌کردند و سرخ‌شان به استخارات همسایه می‌رسد واضح و مستقیم هشداریه صادر گردید که لست تمام طلب العلم خود را به نهادهای مشخص دولت افغانستان شریک سازند؛ زیرا گزارش‌های زیادی وجود دارد که دشمن می‌خواهد از محراب و نام مقدس مسجد برای اخفا و پنهان‌سازی اعمال ابلیس گونهٔ خود استفاده نمایند». این درحالی است که نزدیک به یک ماه پیش؛ پس از افزایش ناامنی‌ها در کابل، رئیس‌جمهور مسوولیت تأمین امنیت پایتخت را به طور موقت به معاون اول خود سپرد.

اعلام برنامهٔ سه نامزد وزیر برای گرفتن رای اعتماد از مجلس

دهند. این در حالی است که رئیس‌جمهور غنی، در سی میزان سال جاری، نامزدوزیران کابینه را به مجلس نمایندگان معرفی کرده و گفته بود که اعضای مجلس با دادن رای اعتماد به آن‌ها، سبب خواهند شد که دولت افغانستان یک تیم منسجم داشته باشد.

● راه مدنیّت: دوشنبه (۲۶عقرب) حنیف اتمر، نامزد وزیر خارجه، عبدالهادی ارغندیوال، نامزد وزیر مالیه، مسعود اندرابی، نامزد وزیر داخله، برنامه‌های خود را به نمایندگان ارایه کردند.

۳ نامزد وزیر فردا سه‌شنبه و ۴ نامزد وزیر دیگر به روز چهارشنبه برنامه‌های کاری‌شان را تشریح خواهند کرد.

بربنیاد اصول کاری مجلس نمایندگان، هرگاه حکومت اعضای کابینه را برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس نمایندگان معرفی می‌کند، باید پس از چهار روز روند رأی‌دهی آغاز شود، اما از زمان معرفی نامزد وزرا حدود ۲۶ روز سپری شده است.

بربنیاد تصمیم کمیتهٔ روسای مجلس نمایندگان، در ابتدا نامزد وزیران امور خارجه، مالیه و امور داخله برنامه‌های خود را به اعضای مجلس گزارش



دانش و تکنالوژی

ماشین قاتل کرونا



● شرکت الکترونیکی «دینامیکز» از یک ماشین قاتل ویروس کرونا رونمایی کرده که جرم‌ها را می‌مکد و با اشعهٔ مافوق بنفش آن‌ها را نابود می‌کند. ماشین مذکور «نانو ویو» نام گرفته و قادر است ۹۹ درصد ویروس مذکور را در کمتر از دو هزارم ثانیه از بین ببرد. این دستگاه شامل ۴ موتور است که می‌تواند ۳۰۰ لیتر هوا را به داخل بکشد و هوای عاری از ویروس کرونا را تا فاصلهٔ ۱۰ فوتی خود منتشر کند.

این شرکت فناوری همچنین نخستین لامپ UV-C کاملاً انعطاف‌پذیر جهان را ابداع کرده که به طور فزینگی در دستگاه متبض می‌شود تا اشعهٔ فرابنفش با شدت بیشتری فراهم کند.

دستگاه نانوویو با قیمت ۳۴۵۰ دلار در آمریکا عرضه شده است.

محققان سازندهٔ دستگاه آن را با همکاری دانشگاه تگزاس و دانشگاه کلرادو آزمایش کرده‌اند. این دستگاه در آزمایش‌ها ۹۹.۹۹۹۰۷ درصد از ویروس کرونا را غیرفعال کرد.

آن‌ها همچنین اولین لامپ UV-C کاملاً انعطاف‌پذیر جهان را طراحی کرده که به طور فزینگی در دستگاه متبض شده تا اشعهٔ ماورای بنفش با شدت بسیار بالا را فراهم کند

درمان اختلالات بلع به کمک فناوری



● روش‌های درمانی سنتی برای حل مشکل بلع بعد از سکتهٔ مغزی بسیار پرهزینه و وقت‌گیر هستند، اما سیستم فاکتیکس که توسط یک شرکت انگلیسی به همین نام ابداع شده، سرعت درمان بیشتری دارد و هزینهٔ کمتری را به بیماران تحمیل می‌کند.

این سیستم متشکل از یک نمایشگر لمسی است که از طریق یک کابل الکتریکی به یک سوند یک‌بار مصرف متصل می‌شود. سوند یادشده باید طی سه روز و هر روز یک بار به مدت ده دقیقه به درون گلو منتقل شود. بدین منظور سوند وارد بینی بیمار شده و به پشت گلو انتقال می‌یابد.

الکترودهای نصب شده بر روی سوند مذکور پالس‌های الکتریکی ملایمی را به سمت بافت‌های گلو ارسال می‌کند و همین پالس‌ها موجب بهبود مراکز کنترل رول رابطهٔ عصبی گلو با مغز می‌شوند. بررسی‌ها نشان می‌دهد ۳۰ دقیقه استفاده از این سوند در سه روز مشکل یادشده را به طور کامل بهبود می‌بخشد.

پژوهشگران انگلیسی این فناوری را بر روی ۲۵۵ بیمار از کشورهای انگلیس، آلمان و اتریش که در مجموع دارای ۵ نوع اختلال بلع بوده‌اند، آزمایش کرده و در مجموع از نتیجهٔ حاصل شده رضایت دارند.

آزمایش مجدد بالینی واکسین کرونای چینی



کرده ناقص بوده و دلیل ایجاد عارضه شدید ذکر نشده است. در بیانیهٔ این سازمان آمده که پس از ارزیابی اطلاعات دریافتی، متوجه شدیم دلایل کافی برای از سرگیری واکسیناسیون وجود دارد. تردید لزوماً به معنای آن نیست که محصول تحت بررسی کیفیت، ایمنی یا کارآمدی ندارد.

سینوواک، شرکت توسعه دهنده این واکسن بالقوه نیز در بیانیه‌یی اعلام کرد: ما به ایمنی واکسن اطمینان داریم و نظارت دقیق و سخت‌گیرانهٔ آن را درک می‌کنیم.

● سازمان قانون‌گذاری بهداشت و درمان برزیل، اجازهٔ از سرگیری آزمایش بالینی واکسین بالقوهٔ چینی برای مقابله با کووید۱۹ را صادر کرد. هفتهٔ گذشته آزمایش بالینی واکسین کرونا در برزیل متوقف و دلیل آن گزارش عوارض شدید ناشی از تزریق واکسن اعلام شد، اما پس از آن انسیتوتو Butantan برزیل در بیانیه‌یی اعلام کرد که آزمایش بالینی واکسین مذکور آغاز می‌شود. سازمان قانونگذاری بهداشت و درمان برزیل نیز در بیانیه ای اعلام کرد اطلاعاتی که درباره عوارض جانبی واکسن دریافت

منبع: نیویارک تایمز
لیندا گرین هاووس

- او جهانی متفاوت از آنچه در آن
بزرگ شده بود را تصور کرد،
جهانی بهتر که در آن جنسیت
مانعی در برابر موفقیت زنان،
روبیای‌های بزرگ در سر پروراندن
و تحقق آرزوهایشان نباشد.
سپس او تصمیم گرفت تا با
استفاده قانون این جهان را به
وجود آورد.

بهترین جواب ممکن است این باشد
که روث گینزبرگ چیزهایی را دید که
دیگران نمی‌دیدند. او فهمید که قانون

برخی از افراد به واسطه شخصیت عالی خدادادی خود می‌توانند الهام‌بخش و دیگران باشند و آن‌ها را به جوش و خروش آورند. به نماینده جان لوئیس، شجاعت او در برابر خشونت‌های فیزیکی و توانایی‌اش در به گریه در آوردن سبیلی از جمعیت و به زانو در

روث گینزبرگ مثل او نبود. او در مقام وکیللی در دادگاه عالی، از خود چهره یک تدبیر گرای متواضع را نمایاند. او مجبور بود. اگر او در نقش یک انقلابی اجتماعی در برابر دادگاه حاضر شده بود، قضات - که به نظرشان قانون اساسی هیچ حرفی برای گفتن درباره زنان نداشت - پا پس می کشیدند. در عوض، آن‌ها لقمه‌های کوچکی را که او برایشان گرفته بود، بلعیدند و فریضات مربوط به نقش‌های نسبت داده شده به زنان و مردان - حقوق بگیر بذات، سرایدار بذات - که برای سال‌های متمادی در قانون جا افتاده بود، هر

«روزنامه راه مدنیست»

شهر والیک / کارتون روز / احمد مومنی

شار والیک / کارتون روز / احمد مومنی

- [illegible]

اما شب مرگ او، هنگامی که تصاویر تلویزیونی هزاران نفر را که به صورت خودجوش در مقابل دادگاه جمع شده بودند تماشا می‌کردم، پدیده «آر. بی. جی بدنام رسو» را از منظری دیگر دیدم. وضعیت بی‌مانند او به عنوان مدای محبوب همانقدر که درباره او حرف داشت، اگر نه بیشتر، درباره ما نیز سخن برای گفتن داشت. به او احتیاج داشتیم. ما به این پیرزن شکننده هشتاد ساله احتیاج داشتیم که بتواند بی‌درنگ از بستر بیماری برخیزد و حرف حق را بزند. (نقل قول معروفی هست که می‌گوید «بدون روث نمی‌توان از حقیقت سخن گفت.»)

ما به او احتیاج داشتیم که دونالد ترمپ را «جلی» خطاب کند، حتی اگر قضات قرار نبود چنین حرف‌هایی بزنند و او مجبور می‌شد حرف‌هایش را بگوید. ما از بیم‌هایی که در مورد رونق‌دهی دادگاه و قانون داشتیم با او سخن می‌گفتم و امیدواری داشتیم به اینکه چشمان تیز بین او، با کالبد شکافی مدنی خطاهای همکارانش، آن‌ها را دوباره گرد هم می‌آورد. ما به او احتیاج داشتیم، هنوز هم داریم.

توضیح مترجم: روث بیدرگ گینزبرگ قاضی دستیار در دیوان عالی ایالات متحدهٔ آمریکا بود. وی توسط بیل کلینتون نامزد شد و در ۱۰ اگوست ۱۹۹۳ آغاز به کار کرد. روث گینزبرگ دومین زن قاضی عالی پس از سندرا دی اوکانر بود. او به عنوان یک قاضی لیبرال در دادگاه عالی شناخته می‌شد و یهودی بود. (برگرفته از ویکی پدیا)

• ترجمه با اندکی تلخیص صورت گرفته است.

- ریاست جمهوری پرو سره دو بلیسری و نمایندگان کنگره متهم به فساد و پولشویی هستند و ویسکارا قصد داشت تا با ایجاد برخی اصلاحات، مصونیت قضایی آنها را لغو کند. اقدام کنگره در استیضاح ویسکارا با حدود یک هفته پیش موجی از خشم و اعتراض شدید را در این کشور آمریکای لاتین برانگیخته است. هزاران نفر برای اعتراض به این تصمیم به خیابان‌های پایتخت، Lima آمده و در نتیجه این اعتراضات و در جریان درگیری با پولیس چند نفر از معترضان کشته و زخمی شدند. پولیس پرو تا کنون اعتراضات را با خشونت بسیاری سرکوب کرده است.
- نمایندگان ابتدا رایزگر، یک وکیل و سیاستمدار چپ‌گرا را برای ریاست جمهوری موقت کشور پیشنهاد دادند، اما از ۱۱۹ قانونگذار تنها ۲۲ نفر به او رای دادند. اگر او رای می‌آورد، نخستین زنی می‌شد که در پرو به بالاترین مقام سیاسی این کشور می‌رسید.
- با آشوب و اعتراض گسترده‌یی که در حال حاضر در پرو جریان دارد، تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کنند که احتمالاً ممکن است هیچ انتخابی آتش خشم معترضان را فرو نماند. آن‌ها می‌گویند نمایندگان کنگره خودشان فاسدند و برای منفعت خودشان رییس جمهوری را برکنار کردند.

● بحران سیاسی در پرو، این کشور بدون رئیس‌جمهوری را به آستانه هرج و مرج و آشوب رسانده، طوری که در این نخستین هفته، هنوز معلوم نیست چه کسی مدیریت کشور را در دست دارد.

مانوئل مرینو، رئیس‌جمهوری موقت پرو روز یکشنبه (۲۵ قمری) زیر فشار اعتراضات عمومی از سمت خود استعفا داد. بعد از آن، نمایندگان کنگره (مجلسی) این کشور نیز پس از برگزاری یک نشست اضطراری چند ساعته در پشت درهای بسته، در نخستین ساعات روز دوشنبه اعلام کردند که درباره انتخاب رییس‌جمهوری موقت جدید به نتیجه نرسیده‌اند.

به گزارش یورو نیوز، مرینو روز ۱۹ قمری یعنی یک روز پس از برکناری مارتین ویسکارا، رئیس‌جمهوری پیشین توسط کنگره هدایت دولت تا زمان برگزاری انتخابات را پذیرفته بود. او تا پیش از آن ریاست کنگره را بر عهده داشت.

کنگره پرو از ماه سپتامبر روند استیضاح ویسکارا را آغاز کرده و در نهایت با اکثریت قاطع به برکناری او رأی داد. ویسکارا به دلیل مبارزه با فساد و اعمال برخی اصلاحات اقتصادی در کشور از محبوبیت خاصی برخوردار بود، اما نمایندگان کنگره که غالباً مخالف او هستند، او را به «فساد» و بی‌بافتی اخلاقی متهم کردند.